

«باسمه تعالی»

جزوه آموزش و پرورش تطبیقی

دکتر بختیاری



۱۳۹۸

فهرست

تعریف آموزش و پرورش تطبیقی	۳
اصول عمومی آموزش و پرورش تطبیقی	۵
آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان یک علم	۸
مسائل و موضوعات مورد بررسی در قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی	۱۰
تاریخچه مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش	۱۶
اصطلاحات و مفاهیم اساسی در آموزش و پرورش تطبیقی	۲۲
تاریخ تحول آموزش و پرورش ژاپن	۲۷
تاریخ تحول آموزش و پرورش انگلستان	۴۸
بررسی وجوه شباهت و تفاوت نظام های آموزش و پرورش ژاپن و انگلستان	۶۲
منابع	۶۷

هدف‌ها و کاربرد پژوهش‌های تطبیقی

۱. تعریف آموزش و پرورش تطبیقی ترجمه اصطلاح comparative education است و به دانشی اطلاق می‌شود که موضوع آن شناسایی، تحلیل و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های تربیتی در داخل یک نظام آموزشی و یا بین نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان با توجه به عوامل اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در شکل و پیدایش آن‌هاست. آموزش و پرورش تطبیقی به مطالعه آموزشی پدیده‌های تربیتی می‌پردازد. نام دیگر آموزش و پرورش تطبیقی، آموزش مقایسه‌ای است. مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش زیربنای هرگونه برنامه‌ریزی جامع و درازمدت محسوب می‌شود.

التاتوی می‌گوید: اصلاح آموزش و پرورش را به من بسپارید، من جهان را اصلاح خواهم کرد. این بدان معناست که کلید طلایی تحول کشورها در نظام آموزشی است.

اهداف و کاربرد مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی

۱. کشف حقایق و مسائل تربیتی کشور خویش از طریق تحلیل و شناخت مسائل نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر؛
۲. ارزیابی مبتنی بر واقعیت‌نگری و پرهیز از خودشیفتگی فرهنگی منبعث از قوم‌گرایی، ایدئولوژی و تمایلات ناسیونالیستی افراطی؛
۳. برقراری و توسعه روابط فرهنگی بین کشورهای مختلف جهان در جهت صلح‌دوستی و تفاهم بین انسان‌ها؛
۴. معرفی نوآوری‌های آموزشی؛
۵. شناخت مسائل جهانی آموزشی و پرورش؛
۶. برنامه‌ریزی.

الف) کشف حقایق می‌تواند ضریب اشتباهات برنامه‌ریزان و مجریان آموزشی را در تدوین و تنظیم طرح‌ها، رده‌بندی مسائل، تعیین اولویت‌های اجرایی و اعمال روش‌های علمی در اداره امور آموزشی کاهش دهد.

ب) ارزیابی مبتنی بر واقعیت‌نگری فرهنگی

گامی در راه جدا شدن از خودشیفتگی فرهنگی و رهایی از انزوای فکری که میوه تلخ آن محدودنگری است، مطالعه گر را با اطلاعات و اندیشه های نو آشنا می سازد و او را از گرایش به مطلق گرایی و قائل شدن تنها به یک راه مطلوب در حل و فصل مسائل آموزشی باز می دارد.

ج) برنامه ریزی

فلیپ جونز با بهره گیری از اطلاعات و تجارب کسب شده در جوامع دیگر به برنامه ریزان و طراحان برنامه آموزشی این امکان را می دهد تا با گام های سنجیده و با آگاهی از تدابیر دیگران در جهت حل و فصل امور آموزش و پرورش نسبت به تدوین طرح های منطقی و سنجیده به منظور پیشرفت و توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش اقدام نمایند.

د) برقراری و توسعه روابط فرهنگی بین کشورهای مختلف جهان در جهت وحدت و ایجاد صلح و دوستی و تفاهم بین انسان ها.

محقق به نام هرمان کن بوئر برای اولین بار دست به انتشار مجله آموزش و پرورش تطبیقی به سه زبان زد و در ایجاد انجمن بین الملل تعلیم و تربیت همت گماشت.

از عمده ترین هدف های محققان آموزش و پرورش تطبیقی

۱. تبادل اطلاعات به قصد ارائه نوآوری ها؛

۲. تأمین مأخذ و منابع برای تسهیل مطالعات به منظور کشف نوآوری های مورد نیاز؛

۳. گزینش نوآوری های مناسب.

شناخت مسائل جهانی آموزش و پرورش

با انتشار کتاب هایی از جمله بحران جهانی تعلیم و تربیت، مسائل جهانی تعلیم و تربیت، مسائل جهانی آموزشی و پرورشی، آموختن برای زیستن، افت تحصیلی، عدم هماهنگی بین محصولات نظام تعلیماتی و نیازمندی های بازار کار و تولید، بی سواد و آسیب های اقتصادی-اجتماعی ناشی از آن، ضعف بنیه مالی نظام آموزشی و پرورشی و بیکاری و آموزش و پرورش، انفجار جمعیت و تأثیرات منفی آن بر نظام آموزش و پرورش، تربیت معلم و مشکلات جذب معلمان شایسته و باصلاحیت در نظام آموزش و پرورش اموری هستند که محققان و مطالعه گران آموزش و پرورش تطبیقی بدان اشتغال دارند.

پژوهشگران در مطالعات تطبیقی یا مقایسه‌ای به اصولی توجه دارند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

اصول عمومی آموزش پرورش تطبیقی:

۱- اصل برداشت سیستمی یا نظام‌گرا در مطالعات تطبیقی

تمام عوامل مؤثر در تشکیل نظام آموزش پرورش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

اگر نظام‌های آموزشی را بدون توجه به عوامل زیربنایی آن‌ها مورد مطالعه قرار دهیم اعتبار مطالعه کاهش می‌یابد زیرا مقایسه و تطبیق روبناها ممکن است تشابهات یا وجه اختلاف ظاهری را نشان دهد که راهگشا نیست.

بر اساس اصل برداشت سیستمی، آموزش و پرورش دارای ویژگی‌های زیر است:

الف- نظامی است که از نهادهای دیگر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه متأثر است؛

ب- دارای نظامی از هدف‌هاست؛

ج- دارای نظامی از فنون و تجهیزات است که نیل به هدف‌ها را ممکن می‌سازد؛

د- دارای نظامی از تشکیلات سازمانی است که در آن، افراد برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و اداری در واحدهای مختلف گرد آمده‌اند؛

ه- دارای نظام مدیریتی است که بر فعالیت نهادهای آموزشی، افراد و نحوه اجرای برنامه نظارت دارد؛

و- دارای نظامی از مقررات ضوابط و هنجارهایی است که روابط اجتماعی را شکل می‌دهد.

۲. اصل به کارگیری اصطلاحات استاندارد شده و قابل قیاس در بررسی‌های تطبیقی

مثلاً آموزش متوسطه را به دوره‌ای از تحصیلات اطلاق می‌کنند که آموزش گروه سنی ۱۱-۱۸ ساله را در بر می‌گیرد.

۳. اصل گزینش دقیق اطلاعات و ارقام

باید از اطلاعات و ارقامی بهره گرفت که بر صحت و دقت در جمع‌آوری و انتشار آن‌ها اطمینان باشد.

علل کمی صحت و دقت آمار و ارقام

۱. عدم ارائه راهنمایی‌هایی مشابه و دقیق در خصوص جمع‌آوری و انعکاس و انتشار مطالب از سوی دولت‌های ذی‌ربط؛
۲. تعصب خاص گزارش‌دهندگان در مورد افشای آمار و ارقام صحیح مبتنی بر واقعیت به‌منظور حفظ حیثیت کاذب ملی کشور مطبوع خویش؛
۳. ضعف صلاحیت حرفه‌ای گزارش‌دهندگان در عرصه آمار و ارقام مربوط به جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش کشور خویش.

۴. اصل واقع‌بینی و عینیت‌گرایی و اجتناب از تعصب و اعمال حب و بغض شخصی در تحلیل پدیده‌های تربیتی

۵. اصل توجه به ابعاد گوناگون پدیده‌های تربیتی

۶. اصل انتخاب واحدهای محدودتر و انتخاب اصلح متغیرها در مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش

رعایت این اصل به علت پیچیدگی جریان تعامل و تعاطی نظام آموزش و پرورش از طرفی به انسان که هدف تربیت است و از سوی دیگر با عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اجتناب‌ناپذیر است.

هدف‌های تأسیس انجمن بین‌المللی تعلیم و تربیت

۱. ترویج صلح جهانی و برقراری تفاهم بین‌المللی؛
۲. تشکیل گردهمایی‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی آموزش و پرورش و اعزام صاحب‌نظران و متخصصانی که افکار بشردوستانه دارند به کشورهای نیازمند؛
- ۳- تفاهم بین ملت‌ها؛

علت کشمکش‌ها و جنگ‌های جهانی به نظر این صاحب‌نظران نتیجه عدم تفاهم بین ملت‌ها و فقدان درک صحیح از واقعیت‌ها و پیش‌داوری‌های غلط است.

۴- آگاهی دادن و شناساندن اوضاع و احوال واقعی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بین کشورهای مختلف به‌منظور کاهش شدت این‌گونه بحران‌ها در جامعه بشری و افزایش میزان صلح و تفاهم بین‌المللی؛

بنیاد نهادن نظام‌های آموزشی نوین و کارآمد نیاز به اندیشه جدید و روش‌های تازه‌ای دارد. کارشناسان امور آموزشی به‌منظور همگام شدن با تحولات و پیشرفت‌های جدید، چاره‌ای جز جستجو برای ایجاد تغییرات از طریق نوآوری‌ها و روش‌های تازه ندارند.

آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان یک علم

آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان دانشی متمایز و مشخص که وجوه علمی به خود گرفت از اوایل قرن ۱۹ پای بر عرصه وجود نهاد و تاریخ به وجود آوردن آن را می‌توان با نشر کتاب تدبیر و دیدگاه‌های مقدماتی در باب آموزش و پرورش تطبیقی از طرف محقق فرانسوی مارک آنتونی ژولین در سال ۱۸۱۷ مقارن دانست. مارک آنتونی ژولین مطالعات تطبیقی را هدف‌دار، قانونمند و نظام‌یافته کرد.

سه اقدام عملی ژولین برای پیشبرد مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی به شیوه عملی:

۱. ضرورت تشکیل هیئت بین‌المللی تعلیم و تربیت مجهز به مرکز و اداره کارکنان ثابت که بتوانند به مطالعه امور تعلیم و تربیت کشورهای عضو بپردازد؛
 ۲. تدوین پرسشنامه‌هایی که از طریق آن بتوان اطلاعات و آمار لازم را درباره آموزش و پرورش به دست آورد؛
 ۳. چاپ و انتشار مجله تعلیم و تربیت به چندین زبان به‌منظور نشر اطلاعات و نوآوری آموزشی.
- دانشمندان تعلیم و تربیتی که نقش مؤثری در علمی کردن دانش تعلیم و تربیت تطبیقی داشته‌اند بعد از ژولین عبارت‌اند از:

۱. فردریک اشنایدر ۲. ایساک کندل ۳. روبرت اولیخ ۴. نیکلاس هنز ۵. پدرو روزلو

این دانشمندان با روشن‌بینی و بصیرتی ژرف معتقد بودند که نظام‌های آموزش و پرورش، مولود یک رشته عوامل و نیروهای اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی قابل تشخیص هستند و بررسی نظام‌های تربیتی بدون در نظر گرفتن نهادهای دیگر اجتماعی ممکن نیست.

در این‌گونه مطالعات بیشتر به تحلیل و شرح و تفسیر پویای پدیده‌های تربیتی به‌جای توصیف ایستای مؤسسات آموزشی پرداخته شده است و تفکر علمی و پژوهش‌های مبنی بر علت و معلول‌یابی - که از ویژگی‌های بررسی علمی است - کم‌کم جای مطالعات صرفاً توصیفی را گرفت. از این دوره در مطالعات تطبیقی به عنوان دوره شکل‌گرائی ذکر می‌شود.

از جمله ویژگی‌های دوره شکل‌گرائی - که به اعتقاد دانشمندان آموزش و پرورش تطبیقی، نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود- مطالعه تجربی و استفاده از روش‌های آماری و سرانجام به کار بردن روش استقرائی در رد یا قبول فرضیه‌های تحقیقی است. یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران این زمان جرج زد. اف. بردی لهستانی است. وی در مقاله‌ای با عنوان گفتاری درباره روش‌های آموزش و پرورش تطبیقی اشاره می‌کند که آگاهی و شناخت نسبت به شیوه‌های علمی بررسی پدیده‌های تربیتی - که پژوهندگان را در تعیین واقعیت‌های شیرین و تلخ یاری می‌دهد- اجتناب‌ناپذیر است.

جرج زد اف بردی در مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش چهار مرحله را مشخص می‌کند

۱. توصیف
۲. تفسیر
۳. هم‌جواری
۴. مقایسه.

با تأسیس انجمن آموزش و پرورش تطبیقی در سال ۱۹۵۶ در نیویورک یکی از مراکز علمی مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش ایجاد گردید.

ویلیام بریک من زمینه برگزاری گردهمایی‌های بین‌المللی را در دانشگاه نیویورک فراهم کرد.

اهداف انجمن آموزش و پرورش تطبیقی

۱. تشویق و ترغیب محققان و دانشمندان به بررسی‌های علمی در زمینه آموزش و پرورش؛
۲. انتشار یافته‌ها و نتایج بهنگام تحقیقات این پژوهشگران در سطح جهان از طریق مجله‌ای با عنوان مروری بر آموزش و پرورش تطبیقی.
- در سال ۱۹۶۱ ژوزف کاتز کانادایی اندیشه تغییر انجمن آموزش و پرورش تطبیقی را به شورای جهانی انجمن‌های آموزش و پرورش تطبیقی مطرح کرد که مورد استقبال هیئت‌رئیس و اعضای انجمن قرار گرفت و به همین مناسبت یونسکو سال ۱۹۷۰ را سال جهانی آموزش و پرورش نامید.

هدف از تشکیل شورای جهانی آموزش پرورش

۱. توسعه آموزش و پرورش به منظور بالا بودن سطح تفاهم بین‌المللی؛
۲. دستیابی به صلح جهانی؛
۳. همکاری فرهنگی و علمی بین ملل مختلف؛
۴. توسعه مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌المللی در سطح جهان و بالا بردن وجهه علمی این گونه مطالعات؛
۵. توسعه کانون‌ها و انجمن‌های آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان مراکز پژوهش‌ها و مطالعات تطبیقی.

انجمن‌های آموزش و پرورش تطبیقی هر سه سال یک‌بار گردهمایی‌هایی را با همکاری شورای جهانی آموزش و پرورش تطبیقی برگزار می‌کنند.

در سال ۱۹۹۶ انجمن آموزش و پرورش تطبیقی استرالیا و نیوزیلند مسئول برگزاری دهمین اجلاس جهانی آموزش و پرورش تطبیقی در دانشگاه سیدنی بود و موضوع آن بررسی مدرنیزه کردن و جهانی کردن آموزش و پرورش بود. لوتان کوی از آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان علم بین‌رشته‌ای نام می‌برد و اعتقاد دارد که تحلیل و بررسی نظام‌های آموزشی هم باید در بطن زمینه‌های ملی و هم باید با توجه به زمینه‌های جهانی آن مورد توجه قرار گیرد.

مسائل و موضوعات مورد بررسی در قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی

از جمله ویژگی‌های بارز مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش می‌توان اهتمام در شناسایی و تجزیه و تحلیل مسائل در قلمرو آموزش و پرورش را ذکر کرد.

میزان رشد یک رشته علمی به تعداد موضوعات و مباحث مورد بررسی آن بستگی دارد.

الف) مسائل و موضوعات مربوط به ویژگی‌های یک نظام آموزشی و یا چند نظام آموزشی

۱. تاریخچه سیر تحول نظام آموزش و پرورش؛

۲. هدف‌های آموزشی؛

۳. ساختار و تشکیلات اداری و آموزشی؛

۴. مقاطع تحصیلی؛

۵. برنامه‌ها و محتوای آموزشی؛

۶. تربیت معلم؛

۷. بودجه و منابع تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش؛

۸. آموزش بزرگسالان تعلیمات اجتماعی و تربیت بدنی؛

۹. آموزش‌های تخصصی و کارآموزی ضمن خدمت و تمدید آموزشی؛

۱۰. تحقیقات و پژوهش‌های تربیتی؛

۱۱. ارزشیابی و مدارج تحصیلی.

ب) مسائل و موضوعات مربوط به اقتصاد آموزش و پرورش

ارتباط آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی

۱. امکانات و محدودیت‌های مالی در زمینه توسعه آموزش و پرورش؛
۲. برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌های توسعه کلان اقتصادی و اجتماعی؛
۳. افت تحصیلی و خسران‌های اقتصادی؛
۴. مقایسه هزینه‌های آموزش و پرورش نسبت به کل جمعیت مدرسه‌رو؛
۵. بررسی عوامل مؤثر در افزایش هزینه‌های تعلیم و تربیت؛
۶. مقایسه رشد سرمایه انسانی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی؛
۷. توسعه اقتصادی و سطح سواد افراد یک جامعه؛
۸. اشتغال و آموزش و پرورش؛
۹. بیکاری و آموزش و پرورش.

ج) مسائل و موضوعات مربوط به آموزش و پرورش و جامعه

اصولاً نوع آموزش و پرورش در جوامع مختلف بر ارزش‌ها، عقاید و هدف‌های اجتماعی و فرهنگی ویژگی‌های ملی حاکم در یک جامعه بستگی نزدیکی دارد.

رابطه بین آموزش و پرورش و جامعه و بنیادهای مربوط به آن یک رابطه دیالکتیکی (دو سویه) است.

مهم‌ترین مسائل و موضوعات مربوط به آموزش و پرورش و جامعه

۱. آموزش و پرورش و اقلیت‌های قومی، فرهنگی، زبانی و نژادی؛
۳. آموزش و پرورش به عنوان عامل تغییر و تطور اجتماعی؛
۴. آموزش و پرورش زنان و تأثیر اجتماعی آن؛
۵. تعلیمات اجتماعی در مدارس؛
۶. آینده‌نگری در آموزش و پرورش؛
۷. مدرسه به عنوان واحد اجتماعی.

د) مسائل و موضوعات مربوط به ارتباط بین مذهب و آموزش و پرورش

مذاهب و گرایش‌های مذهبی در هر جامعه، متضمن آثار و نتایج تربیتی است.

مهم‌ترین مسائل و موضوعات مربوطه به ارتباط بین مذهب و آموزش و پرورش

۱. دموکراسی و آموزش و پرورش؛
۲. مسیحیت و تأثیر آن بر آموزش و پرورش؛
۳. نقش کالوینیسم و انگلیکانیسم در آراء تربیتی علماء غرب؛
۴. نقش مذاهب در توسعه آموزش و پرورش؛
۵. دیدگاه‌های مذهبیون درباره تربیت انسان؛
۶. نقش مسلمانان در ایجاد نخستین مراکز علمی و فرهنگی جهان.

ه) مسائل مربوطه به سیاست و حکومت در ارتباط با آموزش و پرورش

۱. تأثیر استعمار کهن و نو بر آموزش و پرورش؛
۲. آموزش و پرورش به منظور آگاه‌سازی؛
۳. انقلاب‌ها و آموزش و پرورش؛
۴. آموزش و پرورش در کشورهای سوسیالیستی؛
۵. آموزش و پرورش در کشورهای در حال رشد؛
۶. آموزش و پرورش و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی؛
۷. ناسیونالیسم و آموزش و پرورش؛
۸. کاپینالیسم و آموزش و پرورش؛
۹. آموزش و پرورش در کشورهای ناسیونالیستی؛
۱۰. آموزش و پرورش دولتی و خصوصی؛
۱۱. دموکراسی و آموزش و پرورش؛
۱۲. آموزش سیاسی به عنوان رکن اساسی برنامه‌های آموزش و پرورش.

موضوعات مربوط به شناخت نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان

مهم‌ترین پژوهش‌های تطبیقی بررسی مسائل آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان به منظور تأمین خیر و سعادت بشری و برقراری صلح و دوستی وحدت بین‌المللی بوده است که از جمله این موضوعات عبارت‌اند از

۱. نهضت‌های انترناسیونالیستی و تأثیر آن بر توسعه آموزش و پرورش بین‌الملل؛

۲. ویژگی‌های آموزش عالی در کشورهای صنعتی جهان؛

۳. مؤسسات بین‌الملل و نقش آن‌ها در توسعه آموزش و پرورش؛

۴. آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم؛

۵. تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش؛

۶. مسائل جهانی آموزش و پرورش؛

۷. آموزش و پرورش از طریق ماهواره؛

۸. آموزش و پرورش و رشد و توسعه در جهان سوم؛

۹. برخورداری همگانی از آموزش و پرورش در آمریکای لاتین؛

۱۰. همکاری‌های بین‌المللی در زمینه آموزش و پرورش و نتایج حاصل از آن؛

۱۱. تحول مفهوم آموزش و پرورش و نقش و عملکرد آن در جامعه آفریقایی؛

۱۲. تفاوت میزان اشتغال در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال رشد؛

۱۳. روابط آموزش و پرورش و رساله‌های گروهی از گذشته تا به امروز؛

۱۴. چشم‌اندازهای نوین آموزش از راه دور در کشورهای انگلستان، استرالیا، کانادا و آلمان؛

۱۵. آموزش و پرورش و سیاست‌های فرهنگی در کشورهای در حال رشد.

رایج‌ترین مطالعات تطبیقی توجه به وجود تفاوت یا تشابه خصوصیات یک نظام تربیتی و مقایسه آن با نظام‌های آموزشی سایر کشورهای جهان است. رابطه بین آموزش و پرورش با جامعه و بنیادهای مربوط به آن یک رابطه دیالکتیکی است. مذاهب و گرایش‌های مذهبی در هر جامعه متضمن آثار و نتایج تربیتی است. میزان کمک‌های مالی دولت‌ها به دستگاه تربیتی حدود اعمال نفوذ سیاست‌مداران را معین می‌کند.

تاریخچه مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش

الف) دوره نقل مشاهدات و شرح خاطرات سیاحان به عنوان نخستین مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی

ابتدایی‌ترین مطالعات در زمینه تعلیم و تربیت تطبیقی را در آثار، سفرنامه‌ها و گزارش‌های سیاحان و جهانگردان می‌توان مشاهده کرد. سفر آنان جنبه سیاسی، مذهبی و تجاری داشته است و به عنوان نمایندگان و سفرا از طرف دولت مطبوع خود، حامل پیام‌هایی در جهت گسترش روابط دیپلماسی، تجاری و غیره بوده‌اند. عده‌ای فقط به منظور ارضای حس کنجکاوی خود دست به چنین مسافرت‌هایی زده‌اند.

برخی به امید جمع‌آوری ثروت و دستیابی به بازار فروش مال‌التجاره و آشنایی با اوضاع و احوال جوامع و فرهنگ‌های متفاوت سفر می‌کرده‌اند. ضمناً این‌گونه اطلاعات به دلیل نامنظم بودن اطلاعات، ذهنی بودن قضاوت‌ها و دخالت سلیقه شخصی در تبیین پدیده‌های تربیتی از اعتبار علمی چندانی برخوردار نیستند.

یکی از قدیمی‌ترین مطالعات در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی در نوشته‌های گزنفون یونانی تحت عنوان تعلیم و تربیت و حقوق در ایران باستان و سیرت کورش تحقق پیدا کرد.

مارکوپولو، ویلیام ویلز، اسکالنته

مارکوپولو در سفرنامه خود خصوصیات اجتماعی و فرهنگی اهالی یکی از شهرهای چین به نام کین‌سی را چنین بیان داشته است:

مردم شهر زیبای کین‌سی افرادی آرام و فروتن هستند و هیچ‌گونه سلاحی با خود حمل نمی‌کنند.

روابط اجتماعی مطلوب و احترام متقابل بین افراد جامعه به حدی است که گاهی تصور می‌گردد اعضای جامعه از یک فامیل‌اند.

مارکوپولو تمام ویژگی‌ها و خصوصیات مکتسبه اجتماعی فوق را ناشی از نوع تعلیم و تربیت سنتی مردم چین می‌داند.

ویلیام ویلز: یکی از نمایندگان سیاسی اعزامی از طرف دولت آمریکا در اواسط قرن نوزدهم به چین مسافرت کرده و چنین می‌گوید: محیط اجتماعی آنان با هاله‌ای از عدم اطمینان محصور شده است. فساد در کلیه شئون و مظاهر زندگی فردی و اجتماعی این جماعت ریشه دوانیده است.

اشکال بزرگ این‌گونه مطالب این است که اغلب آنان بر اساس دید و سلیقه شخصی و تجارب و زمینه‌های فرهنگی خود، پدیده‌ها را که بر سبیل اتفاق در تیررس مشاهده آنان قرار گرفته مورد بررسی و ارزشیابی قرار داده‌اند.

در سال ۱۵۴۴ به ژاپن مسافرت کرده و به‌طور اجمالی درباره آموزش و پرورش نوجوانان ژاپنی سخن گفته است. ژاپنی‌ها به همان روشی که چینی‌ها می‌خوانند و می‌نویسند عمل می‌کنند، مکالمه آنان شبیه زبان آلمانی است، آموزش و تعلیم جوانان و خانواده‌های اشراف را معلمان خصوصی و سرخانه انجام داده اما افراد بی‌بضاعت و کم‌درآمد را به معابد بودائی می‌فرستند.

گزارش دیگر را آی‌تی‌سینگ درباره دانشگاه نالندا در هندوستان نوشته است.

کامل‌ترین گزارش مربوط به این دوره مربوط به الکسی دو توکویل از آمریکا است که می‌گوید:

جامعه‌ای که به ضرورت آموزش و پرورش کلیه افراد خود در زمان و موقع مناسب پی نبرد و بدان عنایتی نداشته باشد باید منتظر رفتاری‌ها و ناروایی‌های عظیمی که حاصل چنین سهل‌انگاری است باشد که موجب بسط اخلاق سودگرایانه در بین توده مردم و سایر شئون زندگی می‌شود. همه این‌ها نتیجه بی‌توجهی گذشته آمریکا در امر تعلیم و آموزش به‌موقع افراد جامعه است.

نارسی‌های نخستین مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی

افراد اغلب بر اساس دید و سلیقه شخصی و تجارب زمینه‌های فرهنگی خود پدیده‌ها را که بر سبیل اتفاق در تیررس مشاهده آنان قرار گرفته مورد بررسی و ارزشیابی قرار داده‌اند.

شرح و توصیف ویژگی‌های تعلیم و تربیت جامعه مورد بازدید به‌صورت غیرمنظم و جسته‌و‌گریخته در لابه‌لای انبوهی از مطالب ارائه شده است و تفسیر آن ذهنی است و کمتر از شواهد عینی در تشریح آن مدد گرفته شده است.

ب) الگویی از آموزش و پرورش کشورهای دیگر

آنتوان ژولین فرانسوی معروف‌ترین فردی است که این مطالعات را انجام داده است. وی اقتباس و الگو قرار دادن جنبه‌هایی از نظام آموزش و پرورش کشوری را در کشور دیگر مورد تأکید قرار داده است.

ژولین سه اقدام عملی را جهت پیشبرد مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی پیشنهاد کرده است:

۱. ضرورت تشکیل هیئت بین‌المللی تعلیم و تربیت، مجهز به مرکز اداره و کارکنان ثابت؛
۲. تدوین پرسشنامه‌هایی برای به دست آوردن اطلاعات و آمار لازم در زمینه آموزش و پرورش کشورهای متفاوت؛
۳. چاپ و انتشار مجله تعلیم و تربیت به چندین زبان به‌منظور نشر اطلاعات و نوآوری‌های آموزشی و پرورشی.

کشورها می‌توانند با مطالعه نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای دارای نظام‌های تربیتی فوق و بهره‌گیری از تجارب آموزشی این کشورها نظام تعلیم و تربیت خود را بهبود بخشند.

ده سال بعد محقق فرانسوی به نام ویکتور کوزن به مطالعه و بررسی نظام آموزش و پرورش کشور پروس در زمینه امور اداری و سازمان آموزش و پرورش پروس و نقش والدین و حوزه‌های محلی در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان پروس، محتوای برنامه آموزشی، تربیت، انتصاب و بالاخره حقوق معلمان به مطالعه پرداخت.

اغلب مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش در قرن نوزدهم به منظور تحقق اهداف ناسیونالیستی بوده است و کوزن را بدون تردید می‌توان نماینده و بانی چنین مطالعاتی دانست.

جان گرایس کوم: مطالعات خود را به صورت رساله‌ای به نام یک سال در اروپا منتشر نمود.

سه دلیل جان گرایس کوم از مطالعه نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای اروپایی

۱- چون امریکا قصد دارد روابط فرهنگی و تجاری خود را با اروپائیان گسترش دهد، شناخت فرهنگ و جامعه این کشورها برای نیل به این هدف مفید خواهد بود.

۲- برقراری حسن تفاهم بین امریکا و سایر کشورهای اروپایی بخصوص کشوری چون انگلستان که مدتی طولانی امریکا تحت سیطره و نفوذ استعماری آن بوده است.

۳. آشنایی با تجارب و تدابیری که کشورهای اروپایی در زمینه گسترش و بهبود بخشیدن نظام آموزش و پرورش خود داشته‌اند می‌تواند الهام‌بخش دست‌اندرکاران باشد.

هوراس مان آمریکایی

در زمینه ارزش و فوایدی که مطالعه و مشاهده نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای دیگر بیان داشته این است که عاقلانه است که ما از تجارب دیگران بهره گیریم و منتظر نشویم همان تجربه را که دیگران به قیمت صرف زمان و سرمایه فراوان به دست آورده‌اند به علت عدم آگاهی دوباره مورد تجربه قرار دهیم.

وی به تفاوت ارزش‌ها و عقاید سیاسی بین امریکا و هریک از کشورهای اروپایی که مانعی بر سر راه اقتباس فرهنگی است توجه داشته است.

هوراس مان اعتقاد دارد که از تعلیم و تربیت می‌توان به عنوان وسیله‌ای که بالقوه خنثی است استفاده کرد.

معروف‌ترین مطالعات الگوگیری بعد از ژولین را جوزف کی انگلیسی انجام داده است. وی به مطالعه شرایط اجتماعی و نوع تعلیم و تربیت معمول در کشورهای مورد بازدید پرداخت.

مقاله جوزف کی تحت عنوان شرایط اجتماعی و تعلیم و تربیت مردم انگلستان و اروپا منتشر شد. او در این مقاله به تجزیه و تحلیل عواملی که موجبات ارتقاء سطح زندگی اجتماعی طبقات کم‌درآمد شده پرداخته و آن را نتیجه دو عامل می‌داند:

الف) گسترش تعلیمات همگانی و تداوم و استمرار آن تا دوره بزرگ‌سالی که همگان صرف‌نظر از اینکه متعلق به چه طبقه اجتماعی هستند از آن برخوردارند؛

ب) اصلاحات اراضی و تقسیم زمین بین دهقانان و کشاورزان.

ماتیو آرنولد انگلیسی

شاعر، نویسنده، سیاستمدار، اداره‌کننده مدرسه، محقق و بنیان‌گذار نظام آموزش و پرورش ملی انگلستان.

مشهورترین مطالعه وی، بررسی تاریخی و آماری نظام‌های آموزش و پرورش فرانسه و آلمان است.

ماتیو آرنولد معتقد است که هدف و ارزش مطالعات تطبیقی در آن است که به‌طور ساده و جدی دریابیم که چگونه از کشورهای دیگر بیاموزیم و از تجربه‌های آنان در زمینه آموزش و پرورش بهره گیریم.

ویژگی‌های این دوره از مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی و الگوگیری اکثر دانشمندان و محققان این دوره به عمل اقتباس فرهنگی و الگوگیری از جنبه‌های نوین و پیشرفته نظام آموزش و پرورش کشورهای دیگر توجه خاص داشته و بر آن صحنه گذاشته‌اند.

این مطالعات دارای یک وجه اشتراک هستند که عبارت از این است که اکثر این افراد سعی کرده‌اند که به اثبات برسانند که آگاهی و شناخت درباره تعلیم و تربیت کشورهای دیگر مفید بوده و از اهمیتی خاص برخوردار است.

مهم‌ترین علل کم‌اهمیت تلقی شدن مطالعات الگوگیری:

۱. اغلب بدون طرح تحقیقی دقیق قبلی بوده است؛

۲. به‌صورت نامنظم ارائه داده شده و دسته‌وگریخته پدیده‌های مشاهده‌شده مورد بحث قرار گرفته است؛

۳. به علت محدودیت و ناکافی بودن منابع و مأخذ مورد استفاده، تعمیم نتایج حاصله به مقیاس کلی‌تر امکان‌پذیر نبوده است؛

۴. فقدان اصطلاحات استاندارد و تعریف‌شده مانع دیگری در کار محققان این دوره بوده است؛

۵. گرچه برخی از محققان این دوره از عوامل فرهنگی و اجتماعی در رابطه با نظام تعلیم و تربیت جامعه بحث کرده‌اند اغلب در راه روشن کردن پیچیدگی و اشکال این روابط اقدامی نکرده‌اند.

مسائل و مشکلات تربیتی در جوامع مختلف به دلایل سوابق تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت‌اند و این خود عمل اقتباس فرهنگی را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

ج) بهره‌مندی محققان از روش‌های علمی معمول در علوم اجتماعی

دانشمندان آموزش و پرورش تطبیقی این دوره با این اعتقاد که نظام آموزش و پرورش یکی از نهادهای اجتماعی است و در مطالعه آن باید از همان شیوه‌ای که در مطالعه سایر نهادهای موجود در جامعه به کار می‌رود بهره گرفت، اقدام به بهره‌برداری از تجارب تحقیقی معمول در علوم اجتماعی از جمله علم سیاست، جامعه‌شناسی و اقتصاد نمودند و بدین‌وسیله مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی وارد مرحله جدیدی شد که می‌توان آن را دوره شکل‌گرایی نامید.

یکی از ویژگی‌های مطالعات این دوره، تأکید محققان این دوره بر مطالعه تجربی و استفاده از روش‌های آماری و سرانجام سود گرفتن از روش‌های استقرایی در رد یا قبول فرضیه‌های تحقیقی است.

از برجسته‌ترین پژوهشگران این دوره جرج زد اف پردی لهستانی است.

پردی در رساله‌ای تحت عنوان گفتاری درباره روش‌های آموزش و پرورش تطبیقی اشاره می‌کند که اولین وظیفه افرادی که به نحوی به تدریس یا تحقیق تعلیم و تربیت تطبیقی مشغول‌اند شناخت و آگاهی به شیوه‌های گوناگون بررسی و مقایسه آن‌ها با هم و بالاخره گزینش شیوه‌ای مناسب است.

پردی در جریان مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش ۴ مرحله را مشخص کرده است:

۱- توصیف ۲- تفسیر ۳- هم‌جواری ۴- مقایسه

یکی از مطالعات کلاسیک این دوره را فردریک ادینگ در سال ۱۹۵۸ انجام داد و درصد هزینه‌های آموزش و پرورش گروهی از کشورها را نسبت به کل درآمد ملی آنان مورد بررسی و مقایسه قرار داد و اعلام داشت که بین حجم کل درآمد ملی و درصدی از آن که صرف هزینه‌های آموزش و پرورش می‌شود رابطه نزدیکی وجود دارد.

ویژگی‌های مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش:

۱. اغلب پژوهش‌های این دوره به صورت تجربی و با استفاده از روش‌های آماری صورت گرفته است؛
۲. پژوهندگان این دوره عملاً از تجارب تحقیقی و شیوه‌های بررسی معمول در علوم اجتماعی از جمله سیاست، جامعه‌شناسی و اقتصاد به منظور تعیین پدیده‌های مورد تحقیق بهره گرفته‌اند؛
۳. تدوین گمانه یا وضع فرضیه تحقیقی و به معرض آزمایش گذاشتن آن را اغلب پژوهندگان این دوره انجام دادند و باعث شد که مطالعات این دوره از سایر دوره‌ها متمایز گردد؛

۴. توجه خاص مطالعه‌گران این دوره به نشان دادن شاخص‌ها و متغیرهای مورد آزمایش به صورت کمی و محاسبه درجه وابستگی آن‌ها نسبت به هم باعث شد فصل جدیدی بر روی آموزش و پرورش تطبیقی گشوده شود و زمینه را برای تبیین علّی پدیده‌های مورد تحقیق و واریسی آن‌ها به طور نظام‌دار آماده سازد.

اصطلاحات و مفاهیم اساسی در آموزش و پرورش تطبیقی

مدیریت متمرکز در اداره آموزش و پرورش

در این روش، اصول و خطومشی‌های بنیادی و برنامه‌های اجرایی و مالی از طرف دستگاه مرکزی که معمولاً وزارت آموزش و پرورش است اعمال می‌گردد. اصول و خطومشی‌های یکنواخت و واحد با انعطاف‌پذیری کمتر، بر روش اداره امور آموزش و پرورش در سراسر کشور حاکم است.

مدیریت غیرمتمرکز آموزشی

به شیوه‌ای است که هر منطقه و ناحیه از طریق کمیته آموزش و پرورش - که منتخب مردم هستند - در تدوین ضوابط و قوانین آموزش و در تصمیم‌گیری امور آموزشی، اداری و مالی مربوط به مناطق خود از استقلال عمل برخوردارند.

حلول فصل امور در نظام‌های آموزشی با مدیریت غیرمتمرکز بین دستگاه مرکزی و مقامات محلی آموزش و پرورش، مدیران و کادر آموزشی مدارس تقسیم می‌شود.

سه اصل مهم در مدیریت آموزش و پرورش غیرمتمرکز

الف) دستگاه مرکزی از امر و نهی مستقیم در امور آموزش و پرورش نواحی اجتناب می‌نماید. وزارت آموزش و پرورش به صورت قدرت هماهنگ‌کننده و تسهیل‌کننده در مدیریت آموزش و پرورش عمل می‌کند.

ب- اختیارات به طور وسیع و همه‌جانبه به مقامات محلی آموزش و پرورش تفویض می‌شود.

ج- مردم به سرمایه‌گذاری و تأسیس مدارس و کانون‌های آموزشی تشویق می‌شوند.

هزینه‌های آموزش و پرورش

۱. هزینه‌های جاری شامل حقوق کارکنان اداری و آموزشی (معلمان)، هزینه‌های رفاهی معلمان، هزینه‌های خرید تجهیزات و وسایل آموزشی کم‌دوام همچون کتاب، دفتر و لوازم مصرفی آموزشی از قبیل گچ، صندلی، میز و نیمکت، هزینه‌های تعمیر ساختمان مدارس، اجاره‌بهای ساختمان‌های اداری و آموزشی، هزینه‌های ایاب و ذهاب دانش‌آموزان و کارکنان آموزش و پرورش و هزینه مأموریت‌هاست.

۲. هزینه‌های سرمایه‌ای به هزینه‌هایی که برای ایجاد یا به دست آوردن دارائی‌های ثابت انجام می‌گیرد همچون هزینه خرید زمین، هزینه ساخت یا گسترش مدارس و هزینه تجهیزات ماندنی و بادوام آموزشی از جمله ماشین‌آلات، وسایل حمل و نقل و وسایل آزمایشگاهی است اطلاق می‌شود.

در مقایسه هزینه‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف باید به نکاتی توجه داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- هزینه‌های آموزش و پرورش برای هر دانش‌آموز در دوره‌های مختلف آموزشی و همچنین در رشته‌های متفاوت تحصیلی محاسبه و تطبیق شود.

۲- اخیراً هزینه‌های آموزش و پرورش را با هزینه‌های نظامی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند.

۳- هزینه‌های آموزش و پرورش باید نسبت به جمعیت کشور مورد مذاقه قرار گیرد.

۴- هزینه‌های آموزش و پرورش باید به تفکیک به هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای تقسیم و سپس مقایسه گردد.

۵- هزینه‌های آموزش و پرورش باید نسبت به کل جمعیت لازم‌التعلیم در سنین مختلف و مقاطع تحصیلی مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

از جمله دلایلی که از سوی دولت‌ها در تأیید آموزش پیش از دبستان و سرمایه‌گذاری برای توسعه آن ابراز شده است عبارت‌اند از:

۱. کمک به مادرانی که مجبورند در خارج از خانه کار کنند؛

۲. مشارکت آنان در امر تولید و خدمات حرفه‌ای در جهت بالندگی اقتصادی کشور.

خودگردانی در مدیریت و اداره امور مدارس

راهی برای حل و فصل رضایت بخش مسائل آموزشی مناطق که بر اثر تمرکززدایی شکل می گیرد و انتقال اختیار و اتخاذ تصمیم به کانون های آموزشی

مراکز آموزشی رأساً از نظر تخصیص اعتبارات، انتخاب کارکنان آموزشی و حل و فصل امور مدرسه از اختیارات قابل توجهی برخوردارند.

سه اصل مهم در اداره نظام آموزش و پرورش به شیوه غیر متمرکز

الف- تفویض اختیارات وسیع به مقامات آموزش و پرورش نواحی؛

ب- ترغیب و تشویق مؤسسات و انجمن های داوطلب به منظور سرمایه گذاری و شرکت در امور آموزش و پرورش؛

ج- اجتناب دستگاه مرکزی از امرونی صریح در امور آموزش و پرورش نواحی و مدارس و تحمیل نکردن نظرها درباره برنامه، سازمان مدارس، شیوه تدریس و استخدام معلم.

هریک از مدارس ابتدائی دارای هیئت مدیره و هر یک از مدارس متوسطه دارای هیئت سرپرستان است.

هیئت های مذکور با همکاری مدیر مدرسه، مسئول مستقیم کنترل و سازمان دهی مدرسه و ناظر بر اجرای برنامه های آموزشی است.

از جمله اختیارات هیئت های مذکور، استخدام معلمان و کارکنان اداری مدرسه، نظارت بر اجرای صحیح برنامه های آموزشی و تخصیص اعتبارات از کل بودجه مدرسه برای تعمیر و احداث کلاس های جدید و تجهیز وسایل آموزشی است.

دفتر بین المللی تعلیم و تربیت در سال ۱۹۲۵ به عنوان مؤسسه ای خصوصی دایر شد و در سال ۱۹۲۹ به عنوان نخستین سازمان بین المللی کار خود را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۹ به عضویت یونسکو درآمد.

از جمله وظایف آن:

تدارک و سازمان دهی گردهمایی بین المللی تعلیم و تربیت است که هر دو سال یکبار به دعوت مدیر کل یونسکو در ژنو برگزار می شود.

یکی از فعالیت های آموزشی و پژوهشی این دفتر برقراری کارگاه ها و دوره های فشرده در زمینه شیوه های جمع آوری اطلاعات و اسناد و روش های کتابداری است.

از مهم ترین تألیفات آن، سالنامه بین المللی آموزش و پرورش یونسکو و فصلنامه تعلیم و تربیت است.

برخی توسعه را صنعتی شدن تعریف می‌کنند.

گروهی نیل به استقلال سیاسی و بالندگی اقتصادی را توسعه می‌نامند. از دیدگاه دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی توسعه عبارت است از تحول به‌سوی مدرنیته شدن. به عبارت دیگر توسعه از دیدگاه این گروه عبارت است از توسعه نیروی انسانی است و آن عبارت است از افزایش سطح معلومات و مهارت و استعداد های افراد جامعه به‌منظور نیل به مدرنیته شدن.

روش‌های نوین و متداول در مطالعات تطبیقی نظام‌های آموزش و پرورش

جامع‌نگری در مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش از صفات جدایی‌ناپذیر روش‌شناسی تطبیقی است.

پژوهشگرانی که یک جنبه از پدیده تربیتی را به‌جای کل آن پدیده مورد مطالعه قرار می‌دهند به خطایی گرفتارند که جزئی از پدیده‌ای را با همه آن پدیده معاوضه کرده‌اند و یا یکی را به‌عوض کل و تمامی آن پدیده گرفته و هویت حقیقی پدیده را در بعدی از ابعادش محبوس کرده‌اند.

محققان و متفکران شیوه‌های جدید برای مطالعات تطبیقی عبارت‌اند از:

۱- ایساک کندل ۲- نیکلاس هنز ۳- جرج بردی ۴ فردریک هاریسون ۴ - چارلز اچ مایرز.

پایه‌گذار روش‌شناسی دانش تعلیم و تربیت تطبیقی ایساک کندل است.

او سعی داشت مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی را در رابطه با نوع تعلیم و تربیت جوامع تحت مطالعه‌اش مورد تجزیه و تحلیل و بحث قرار دهد.

دیدگاه جرج بردی

این دانشمند انتخاب روشی را که متناسب با موضوعات تحقیق باشد از نخستین وظایف محققان آموزش و پرورش تطبیقی به شمار می‌آورد و در رساله‌اش با عنوان "گفتاری درباره روش‌های آموزش و پرورش تطبیقی" بر ضرورت شناخت و آگاهی به شیوه‌های متداول در مطالعات تأکید می‌ورزد.

بردی در جریان مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش ۴ مرحله را مشخص کرده است:

۱- مرحله توصیف

به توصیف پدیده‌های تربیتی مورد تحقیق بر اساس شواهد اطلاعاتی که از منابع مختلف از طریق مشاهده مستقیم و یا مطالعه اسناد و گزارش‌های دیگران به دست آمده می‌پردازد.

به عقیده وی مرحله توصیف مرحله یادداشت‌برداری و تدارک اطلاعات کافی برای بررسی مراحل بعدی است.

۲- مرحله تفسیر

مرحله واری اطلاعاتی است که در مرحله قبلی جمع‌آوری شده است و به اعتقاد بردی بایستی مبتنی بر اصول و شیوه‌های موسوم در علوم اجتماعی باشد.

۳- مرحله هم‌جواری

اطلاعاتی که در مراحل ۱ و ۲ بررسی شده‌اند طبقه‌بندی می‌شوند و کنار هم قرار می‌گیرند. در این مرحله است که پژوهنده به فرضیه تحقیقی خود دست می‌یابد.

۴- مرحله مقایسه

در این مرحله، مسئله تحقیق دقیقاً با توجه به جزئیات بر اساس تشابهات و تفاوت‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و رد یا قبول فرضیه تحقیق در این مرحله امکان‌پذیر می‌شود.

عیوب طرح بردی از دیدگاه هارولد نو آ و ماکس اکستین:

۱- قبل از مراحل توصیف و واری، جمع‌آوری اطلاعات ضروری است و باید مشخص گردد چه نوع اطلاعاتی در زمینه تعلیم و تربیت مناسب است و چه مقدار از این اطلاعات درباره زمینه‌های فرهنگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید جمع‌آوری شود.

۲- بر اساس طرح بردی پس از مراحل ۱ و ۲ یعنی در مرحله هم‌جواری و پهلوی هم قرار دادن اطلاعات، پژوهنده می‌تواند نسبت به تبیین "فرضیه‌ها" یا گمانه‌های آزمایشی اقدام نماید. بدون داشتن فرضیه تحقیق، محقق در دام اطلاعات نامربوط گرفتار می‌شود که چیزی جز اتلاف وقت و انرژی نبوده و ثمر دیگری ندارد.

تاریخ تحول آموزش و پرورش ژاپن

در حدود قرن ششم میلادی ژاپنی‌ها با اقتباس از فرهنگ چینی و تحت تأثیر آیین کنفوسیوس و مذهب بودا مدارس به‌منظور تأمین نیازمندی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه سنتی خود تأسیس کردند. تعلیم عقاید کنفوسیوس در مدت چندین قرن قسمت اعظم برنامه مدارس ژاپن را تشکیل می‌داد.

فعالیت‌های آموزشی بر محور تعلیم اخلاق، اطاعت از پدر و مادر و فرمان‌برداری محض از دولت، وظیفه‌شناسی و نیکوکاری استوار بوده است. تربیت افرادی مطیع و فرمان‌بردار که در حفظ و حراست وضعیت موجود بکوشند از جمله هدف‌های تعلیم و تربیت محسوب می‌شد.

جامعه سنتی ژاپن آن زمان به چهار گروه (طبقه) مجزا یعنی جنگجویان، برزگران، صنعتگران و کسبه تقسیم می‌شد.

فلسفه آموزش و پرورش متأثر از دیدگاه‌های اجتماعی و فلسفی کنفوسیوس بود. با روی کار آمدن دولت نظامی توکوگاوا ۱۵۷۳-۱۶۰۳ نظارت بر آموزش و پرورش از مرکزیت نسبی برخوردار شد.

عصر توکوگاوا به دوره حکومت فئودال‌ها و نفوذ سامورایی‌ها معروف است و تا اواسط قرن ۱۹ ظاهر خود را حفظ کرده بودند.

آموزش و پرورش جنبه محافظه‌کارانه و سنتی به خود گرفته بود و افراد برحسب اصل و نسب و تبار خانوادگی به‌گونه‌ای تربیت می‌شدند تا مناصب و مشاغل خانوادگی را حفظ کنند و بدان اشتغال ورزند.

آموزش و پرورش تحت تأثیر اریستوکراسی یعنی حکومت اشراف قرار گرفته بود.

در عصر توکوگاوا برای نخستین بار نهاد آموزش و پرورش در یک بافت ملی استقرار یافت.

در سال ۱۸۶۸ امپراتور میجی حکومت فئودال‌ها را در ژاپن برانداخت و حکومت مرکزی پر اقتداری را به وجود آورد.

در منشور پنج‌ماده‌ای میجی آمده است که عموم افراد باید از تعلیم و تربیت بهره‌مند شوند و بنیاد حکومت باید بر توسعه فرهنگ استوار باشد.

دو اصل حکومت میجی

الف) اعزام جوانان صاحب استعدادها درخشان به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خارج از کشور به‌منظور فراگیری علوم و فنون جدید

این افراد برای فراگرفتن فن دریانوردی و تجارت دریایی به انگلستان،

برای آموختن فنون نظامی و پزشکی به آلمان،

برای آموختن حقوق و اداره امور دولتی به فرانسه و

و برای آموختن راه و رسم تجارت خارجی به ایالات متحده اعزام شدند.

ب) استخدام کارشناسان برای تربیت متخصصان ژاپنی در داخل کشور

مدارس تراگويا که تا قرن پانزدهم به عنوان تنها نهاد آموزش و پرورش عمومی محسوب می گردید به مدارس جدیدی مبدل شد و دوره تعلیمات همگانی ۴ سال تعیین و اجباری اعلام شد. این مدارس از نظر اداره، تشکیلات، برنامه و هدفها دستخوش تغییرات شدند.

در سال ۱۸۹۰ فرمان ویژه امپراتور در زمینه روشن کردن خط مشی آموزش و پرورش در کشور صادر شد. بر مبنای ترکیبی از آراء تربیتی مذهب شینتو عقاید کنفوسیوس بر اساس ارزشها و سنتهای اصیل جامعه ملی چون وظیفه شناسی، فرمان برداری کارجویی و انضباط استوار گردید.

دو وجه لازم در برنامه های درسی

۱- پرورش اخلاقی مبتنی بر فرهنگ اصیل و مطابق با روح ژاپنی

۲- کسب دانش و فنون جدید و سودمند

در سال ۱۹۰۰ تعلیمات چهارساله همگانی به صورت رایگان در سراسر کشور برقرار شد.

در سال ۱۹۰۸ تعلیمات اجباری به شش سال افزایش یافت. وظیفه دایره کنترل دانش آموزان در وزارت آموزش و پرورش بررسی و هدایت افکار دانش آموزان و دانشجویان و مقابله با افکار خطرناکی اعلام شد که از سوی آموزگاران و برخی از نظریه پردازان تندرو ژاپن که دارای گرایش های مارکسیستی بودند اظهار می شد.

در سال ۱۹۴۱ برنامه اصلاح مدارس ملی اعلام شد و مدارس ابتدائی و دوره تحصیلی بعد از ابتدایی به صورت یک دوره تحصیلی ۸ ساله درآمد و میزان آموزش اجباری به ۸ سال افزایش یافت.

در سال ۱۹۴۵ آموزش وطن خواهی مطرود اعلام شد و روحیه صلح طلبی مورد تشویق قرار گرفت. تمرکززدایی در مدیریت آموزش و پرورش آغاز شد، آموزش مختلط آغاز شد و دروس اجتماعی جانشین آموزش اخلاق سنتی شد.

دو نکته اساسی قانون بنیادین آموزش و پرورش ژاپن در سال ۱۹۴۶:

۱- تعلیم و تربیت از حقوق مسلم هر فرد ژاپنی است.

۲- دیگر برخلاف گذشته، فرمان امپراتور نمی‌تواند هدف‌ها و ماهیت آموزش و پرورش را معین کند بلکه بر اساس خواست مردم و از طریق نمایندگان این کار انجام شود.

در سال ۱۹۴۸ قانون شوراهای آموزش و پرورش به تصویب رسید و در هر منطقه (استان) و هر شهر، شورای آموزش و پرورش تشکیل شد. کنترل از مرکز تعدیل گردید و دیدگاه‌های مردم محل از اولویت برخوردار شد.

در سال ۱۹۴۹ قانون شوراهای آموزش و پرورش با اختیارات وسیع به تصویب قوه مقننه رسید. در سال ۱۹۵۰ آموزش همگانی از ۶ سال به ۹ سال افزایش یافت و شامل ۶ سال ابتدائی و سه سال اول متوسطه شد.

در سال ۱۹۵۱ با تصویب قانون تشویق و گسترش آموزش و پرورش صنعتی، بر توسعه کانون‌های آموزش حرفه‌ای و فنی تأکید شد.

مهم‌ترین اقدامات شوراهای آموزش صنعتی:

۱- اصلاح محتوای دروس و شیوه‌های آموزشی و حرفه‌ای؛

۲- مهیا ساختن وسایل، ادوات و ساختمان کارگاه‌ها برای تعلیمات حرفه‌ای؛

۳- تربیت معلمان و استادکاران جهت تدریس در مراکز و مدارس حرفه‌ای و صنعتی؛

۴- برقراری همکاری نزدیک در جهت توسعه مدارس فنی و حرفه‌ای بین صاحبان حرف و مقامات آموزشی استان و شهر.

در سال ۱۹۵۲ دولت بر اهمیت احساسات وطن‌خواهی متعارف از طریق آموزش تاریخ ملی و جغرافیا تأکید نمود.

در سال ۱۹۵۳ قانون بسط آموزش علوم با این هدف که حجم آموزش علوم در مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه افزایش یابد به تصویب رسید.

در سال ۱۹۵۷ وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به نخستین برنامه پنج‌ساله اقتصادی و توسعه طرح مهیاسازی، امکانات و تجهیزات لازم برای تربیت سالانه ۸۰۰۰ فارغ‌التحصیل در رشته علوم و فنون را به مرحله اجرا گذاشت.

در سال ۱۹۶۰ قانون توسعه مدارس عالی به صورت جونیور کالج (Junior College) به سبک آمریکایی‌ها تصویب گردید.

در سال ۱۹۶۰ قانون شرایط استخدام دبیران، تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس در سطوح مختلف تحصیلی و صلاحیت علمی معلمان برای تدریس دروس مختلف در سطح دبیرستان‌ها تصویب شد. در سال ۱۹۶۲ قانون استفاده از کتب درسی به‌طور رایگان تصویب شد.

در اواخر سال ۱۹۶۶ شورای مرکزی آموزش و پرورش سندی را به عنوان **تصویر آرمانی فرد** ژاپنی منتشر کرد که برای دولت و ملت ژاپن مفید واقع شوند.

در سال ۱۹۷۳ قانون تعلیمات همگانی برای کودکان و نوجوانان معلول به تصویب رسید.

در سال ۱۹۷۶ قانون افزایش ساعات تدریس علوم در مدارس ابتدائی به تصویب رسید.

طرح اصلاحات نظام‌یافته یکی از موفق‌ترین و وسیع‌ترین برنامه‌های دولت ژاپن در نیم‌قرن اخیر به شمار می‌آید.

ساختار اداری و هدف‌ها و اصول کلی نظام آموزش و پرورش ژاپن

قانون شوراهای آموزش و پرورش

در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ الگوی جدید مدیریت آموزش و پرورش به وجود آمد که طبق این قوانین مردم نواحی می‌توانستند اعضای شورای محلی را رأساً انتخاب کنند.

وظایف اعضای شورای محلی آموزش و پرورش

۱- تعیین بودجه مدارس ۲- برنامه‌های آموزشی ۳- انتصاب معلمان و کارکنان آموزشی ۴- نظارت بر تعلیمات در مدارس دوره ابتدائی و اول متوسطه

در سال ۱۹۵۶ قانون شوراهای آموزش و پرورش جای خود را به قانون مربوط به سازمان وظایف مقامات آموزش و پرورش محلی داد و بر اساس آن اعضای شورای محلی به رئیس حکومت ایالتی منصوب می‌شدند.

اولین گام در جهت متمرکز کردن قدرت اداره آموزش و پرورش ژاپن باعث بیشتر شدن اختیارات وزارت آموزش و پرورش و نظارت بر کار شوراهای ملی شد.

ثمرات اداره آموزش و پرورش ژاپن به شیوه متمرکز

الف) امکانات متساوی، استفاده از حق تعلیمات همگانی را برای عموم فراهم نموده و تسهیلات آموزشی را برای دانش‌آموزان مناطق مختلف فراهم نموده است.

ب) با ارائه برنامه‌های تحصیلی مشابه و تعیین استانداردهای آموزشی مانع آن شده که عده‌ای را از حق آموزش و پرورش محروم دارند و یا مشمول نوع خاصی از تعلیمات بنمایند.

ج) استفاده از شیوه متمرکز در اداره امور آموزش و پرورش در برقراری وحدت نظام و یگانگی بین برنامه‌ها و در نتیجه بین افراد مملکت مؤثر است.

د) هدایت دستگاه تعلیم و تربیت را در جهت خاص و معین به منظور تدارک انواع تخصص‌ها و افراد صاحب مهارت مورد لزوم اقتصاد و صنعت و خدمات در سطح کشور، بهتر و سریع‌تر صورت داده است و در عمل کارایی اعمال چنین سیاسی از حیث بهره‌وری از منابع انسانی و مالی فزون‌تر بوده است.

اداره آموزش و پرورش در سه سطح متمرکز است:

۱. ملی ۲. ایالتی ۳. شهر

وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ که مسئول تعلیم و تربیت مردم و اعتلا و اشاعه علوم و فرهنگ جامعه است به‌عنوان دستگاه مرکزی، مسئولیت امور را در سطح ملی به عهده دارد و دارای اختیاراتی به شرح ذیل است:

۱. امکانات لازم را فراهم ساخته و لوایح لازم را تدوین، تنظیم و به مجلس تقدیم کند.

۲. تنظیم موازین و مقررات لازم برای تأسیس و احداث مؤسسات آموزشی، استخدام کارکنان، تشکیلات آموزشی، محتوای دروس و نظارت بر اجرای دقیق آن

۳- صدور اجازه تأسیس دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، ایالتی، محلی و خصوصی

۴- کمک مالی به دولت‌ها و مقامات محلی آموزش و پرورش به تناسب نیاز آنان و صدور دستورات لازم در جهت اصلاح سیاست‌های آموزشی و پیشبرد آن‌ها به عنوان نهاد برنامه‌ریز و هماهنگ‌کننده

۵- اداره و نظارت بر کار مؤسساتی چون مؤسسه ملی تحقیقات آموزشی، خدمات جوانان، آموزش بزرگسالان، کتابخانه و موزه‌ها که از سال ۱۹۷۰ طی مصوبه‌ای به وزارت علوم و فرهنگ محول شد

مهم‌ترین شورا، شورای مرکزی آموزش و پرورش است.

اعضای هیئت آموزش و پرورش ۵ نفر است که رئیس حکومت محلی یعنی فرماندار وی را به مدت ۴ سال انتخاب می‌کند.

مهم ترین وظایف هیئت آموزش و پرورش ایالت

الف) انتخاب مدیرکل آموزش و پرورش ایالت به عنوان رئیس هیئت آموزش و پرورش

ب) اداره و مدیریت مؤسسات آموزشی ایالت از جمله مدارس دوره متوسطه، مدارس دانش آموزان معلول و کانون های آموزش حرفه ای به جز دانشگاه ها و مراکز آموزشی فوق دیپلم

ج) اداره امور مراکز تحقیقات آموزشی استان و ایالت

د) اجرا و بهبود آموزش بزرگسالان و فعالیت های فوق برنامه جوانان و همکاری با یونسکو

ه) راهنمایی و هدایت و ارائه کمک مالی به هیئت های آموزش و پرورش شهرهای داخل ایالت

و) اجازه انتصاب و عزل کارکنان آموزشی و اداری مدارس ابتدائی و دوره اول متوسطه

هیئت آموزش و پرورش شهر متشکل از ۵ نفر است که اعضای آن را شهردار و شورای شهر - که خود منتخب مردم اند - برای مدت ۴ سال انتخاب می کنند.

مهم ترین وظایف هیئت شهر:

۱. اداره امور مدارس ابتدائی و دوره اول متوسطه شهر؛

۲. اداره امور مراکز پژوهش های آموزشی شهر؛

۳. اشاعه فعالیت های فرهنگی و حفظ میراث فرهنگی و همکاری با یونسکو؛

۴. اداره تالارهای عمومی شهر، کتابخانه ها و خانه جوانان؛

۵. توسعه آموزش بزرگسالان و فعالیت های فوق برنامه جوانان.

از نظر ژاپنی ها، دموکراسی واقعی یعنی حرمت گذاشتن به استقلال فکری و ابتکار خصوصی و حکومت مردم به مردم از طریق حکومت مرکزی مقتدر که خود بر اساس رأی مردم روی کار آمده است.

هدف ها و اصول کلی نظام آموزش و پرورش

در سال ۱۹۴۲ "قانون بنیادی آموزش و پرورش" و در سال ۱۹۴۷ "قانون آموزش و پرورش مدرسه ای"، اصول کلی آموزش و پرورش را تدوین نمود.

هدف تربیت باید پرورش کامل شخصیت و کوشش در جهت رشد و سلامت روحی و جسمی افراد جامعه باشد. مردم چنان باید پرورش یابند که به‌عنوان سازندگان جامعه و کشوری صلح‌دوست به راستی و عدالت ارج نهند، به ارزش‌های فردی معتقد باشند، کارجو و کار طلب بوده، برای کار ارزش قائل شوند، احساس مسئولیت کنند، سرشار از روح استقلال باشند و برای صلح جهانی و رفاه و آسایش بشر و ایجاد روابط و تفاهم جمعی از هیچ کوششی دریغ نورزند.

اصول حاکم بر آموزش و پرورش ملی بر اساس قانون اساسی

۱ - اصل برخورداری از فرصت‌های برابر آموزش به دور از هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد، قومیت، جنسیت، مقام اجتماعی، وضع اقتصادی و تبار خانوادگی؛

۲ - اصل آموزش و پرورش عمومی و همگانی؛ والدین موظف‌اند فرزندان خود را به مدت ۹ سال (۶ سال ابتدائی و ۳ سال اول متوسطه) به مدارس بپارند.

۳ - اصل آموزش و پرورش مختلط؛

۴ - اصل ممنوعیت هر گونه تعلیمات سیاسی، حزبی و مذهبی؛

۵ - اصل تدوین قوانین و موازین مقتضی.

در سال ۱۹۴۸ فرمان امپراتور لغو و از ژاپنی‌ها خواسته شد در چهارچوب قانون بنیادین آموزش و پرورش، ویژگی‌هایی چون فردگرایی، آزادیخواهی، صلح و مساوات‌طلبی را جانشین خصوصیت ملی‌گرایانه افراطی و اخلاقیات پدرسالارانه نمایند.

اعتبارات مالی آموزش و پرورش از نظر نحوه تأمین منابع

۱ - هزینه‌های آموزش و پرورش که دولت مرکزی تأمین می‌نماید. این هزینه‌ها معمولاً به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف (هزینه‌های مؤسسات آموزشی که زیر نظر مقامات مرکزی وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شوند.

ب (کمک‌هایی که از طرف مقامات مرکزی به مقامات محلی، شهرداری‌ها و مؤسسات آموزش خصوصی و سایر مؤسسات وابسته می‌شود.

گرچه اغلب مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه را شهرداری‌ها تأسیس می‌کنند، اما حقوق و مزایای معلمان این مدارس از طرف مقامات محلی و دولت مرکزی تأمین و پرداخت می‌شود.

۲ - هزینه‌های آموزش و پرورش که مقامات محلی و شهرداری‌ها تأمین می‌کنند. این هزینه‌ها شامل:

الف) هزینه تشکیلات و سازمان‌ها و خدمات آموزشی مقامات محلی و کمیته‌های آموزشی شهرداری‌ها؛

ب) حقوق و مزایای معلمان شاغل در مدارس مربوط به ایالت و شهرداری‌ها و به‌ویژه مدارس دوره دوم متوسطه

ج) هزینه‌های مربوط به تأسیس مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه به‌جز حقوق و مزایای معلمان و کارکنان؛

د) هزینه‌های مربوط به سایر مدارس مختلف وابسته به شهرداری‌ها و تسهیلات مورد نیاز برای آموزش اجتماعی.

سایر منابع مالی و اعتبارات آموزش و پرورش

۱ - سرمایه‌گذاری مردم در تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش و ایجاد مراکز آموزشی؛

۲ - کمک شهرداری‌ها؛

۳ - سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و صاحبان صنایع و مشاغل؛

۴ - هدایا، موقوفات، کمک‌های بلاعوض، وام‌های بدون بهره. از جمله کمک تشکیلات مذهبی و کلیساها، کمک مراکز حمل‌ونقل شهری در جهت ارائه بلیت نیم‌بها، اهدای زمین و مخارج ساختمان جهت تأسیس مدارس، تأمین مخارج و هزینه گردش‌های علمی دانش‌آموزان و ارائه وام‌های کم‌بهره و طولی‌المدت جهت اجرای پروژه‌های آموزشی از طرف شرکت‌های تجاری و بانک‌ها.

مقاطع و مراحل تحصیلی در ژاپن

مراحل تحصیل در ژاپن شامل:

دوره قبل از ابتدائی - دوره ابتدائی - دوره آموزش متوسطه اول و دوم و مرحله آموزش عالی.

آموزش قبل از دبستان

کودکان زیر سه سال در مهد و ۳ و ۴ و ۵ ساله در کودکستان عهده‌دار این نوع آموزش هستند.

مهدکودک‌ها را مقامات رفاه اجتماعی محل دایر می‌کنند. وظیفه اصلی مهدکودک‌ها پرستاری و مراقبت از کودکان و پاسخگویی به نیازهای زیستی بهداشتی و روان‌شناختی آنان است.

عمده‌ترین وظایف کودکان‌ها فراهم کردن محیطی است که رشد ارتباطات اجتماعی و خودیاری را موجب شود و در سال پایانی این دوره، وظیفه کودکان‌ها آماده کردن کودکان برای ورود به دبستان است. از جمله دلایلی که دولتمردان و برنامه‌ریزان آموزشی در تأیید آموزش پیش از دبستان ابراز می‌کنند کمک به مادرانی است که مجبور به کار کردن در خارج از منزل هستند.

مهم‌ترین هدف‌های آموزش پیش از دبستان

- ۱- پرورش عادات لازم جهت زندگی سالم و شاد که لازمه رشد هماهنگ جسم و روح است؛
 - ۲- پرورش درک صحیح و تقویت نگرش درست کودکان نسبت به وقایع و رویدادهایی که در محیط زندگی اجتماعی آنان به وقوع می‌پیوندد؛
 - ۳- غنا بخشیدن به تجارب زندگی گروهی کودکان و تقویت حس همکاری و مشارکت آنان؛
 - ۴- هدایت و راهنمایی کودکان در فراگیری درست زبان و پرورش علایق آنان نسبت به کتب مصور و داستان‌های آموزنده از طریق قصه‌گویی و کتاب‌خوانی و فیلم‌های آموزشی؛
 - ۵- پرورش و تقویت حس ابتکار و کنجکاوی کودکان از طریق بازی‌ها، نقاشی، کارهای دستی، موسیقی و سایر وسایل.
- هدف بخش عمده‌ای از آموزش‌های عملی در کودکان‌ها و مهدکودک‌ها کسب مهارت‌های اجتماعی است.

علل رشد کودکان‌ها و مهدکودک‌ها در ژاپن

- ۱- بهبود وضع اقتصادی و درآمد خانواده‌ها که با پرداخت شهریه به مؤسسات آموزش قبل از دبستان امکان آموزش را فراهم نموده‌اند؛
 ۲. دگرگونی‌های اقتصادی که در چندین سال گذشته در ژاپن رخ داده و لزوم استفاده هر چه بیشتر از نیروی زنان را در امور تولیدی و خدماتی ایجاب کرده است؛
 ۳. دولتمردان و دستگاه مرکزی تعلیم و تربیت کشور به لحاظ اهمیتی که این نوع آموزش‌ها چه برای خود کودک، خانواده و جامعه دارد بیش از گذشته هزینه اداره مراکز تعلیم و تربیت کودکان خردسال را تقبل کرده‌اند.
- مهدکودک و کودکان‌ها عامل مؤثری برای مشکل نابرابری‌های موجود در محیط اجتماعی و فرهنگی ژاپن می‌باشند.

۴. اکثر والدین ژاپنی که از تحصیلات همگانی و عالی برخوردارند و به اصول تعلیم و تربیت و روانشناسی آگاهی دارند ترجیح می‌دهند فرزند خردسال خود را به مراکز آموزشی پیش از دبستان که وسایل آموزشی و امکانات تربیتی بیشتری دارند بسپارند.

آموزش ابتدائی:

کلیهٔ کودکان ۶ ساله در این مرحله پذیرفته می‌شوند. دورهٔ تعلیمات ابتدائی ۶ سال است که از ۶ سالگی آغاز و در ۱۲ سالگی پایان می‌یابد. اهداف این دوره عبارت‌اند از:

۱. پرورش روح همکاری و ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در کودکان؛
 ۲. پرورش درک صحیح از شرایط واقعی و رسوم جاری در جامعهٔ محلی و ملی و پرورش روح همکاری بین‌المللی؛
 ۳. آشنا ساختن کودکان با مهارت‌هایی که در ارتباط با تهیهٔ غذا، پوشاک و صنایع است.
 ۴. پرورش درک و قابلیت به کارگیری کلمات و عبارات زبان ژاپنی که در زندگی روزانه مورد نیاز است.
- مهم‌ترین اقدامات برای اصلاح هدف‌ها و برنامه‌های درسی مدارس ابتدائی:
۱. تأکید بر آموزش اخلاق به منظور درک و قبول مسئولیت‌های اجتماعی و کنترل نفس و خویشتن‌داری؛
 ۲. بالا بردن قابلیت‌های اساسی دانش‌آموزان و خواندن، نوشتن و حساب کردن؛
 ۳. اصلاح محتوای برنامه و گنجاندن مطالب دربارهٔ محیط زیست در برنامهٔ درسی دورهٔ ابتدائی؛
 ۴. هماهنگ کردن برنامه‌های درسی مدارس ابتدائی با دوره‌های تحصیلی بالاتر «متوسطهٔ اول و متوسطهٔ دوم»؛
 ۵. ایجاد عادت‌های مفید در تلفظ صحیح کلمات و آهنگ سخن گفتن و افزایش ساعات آموزش زبان ژاپنی و به کارگیری روش‌های نوین تدریس؛
 ۶. تأکید بر آموزش بر محور کسب تجارب عملی و فعالیت‌های خود کودک و گسترش فعالیت‌های فوق برنامهٔ مدارس ابتدائی؛
 ۷. تفویض اختیارات بیشتر به اولیای مدارس در تعیین و تشخیص ساعات مورد لزوم برای تدریس هر یک از دروس.
- مجموع روزهای کاری مدارس ابتدائی در ژاپن ۲۴۰ روز در سال است.
- ۲۱۰ روز کلاس‌ها و ۳۰ روز دیگر به فعالیت‌های فوق برنامه اختصاص دارد.

تنظیم برنامه درسی مدارس را شورایی به نام شورای امور تحصیلی متشکل از مدیر، ناظم و رئیس انجمن خانه و مدرسه و سه نفر از معلمان با تجربه انجام می‌دهند.

دروس دوره ابتدائی شامل:

زبان ژاپنی، علوم اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، موسیقی، مطالعات محیط‌زیست، هنر و کارهای دستی، خانه‌داری، تربیت‌بدنی، تربیت اخلاقی و فعالیت‌های ویژه.

برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدائی هر ده سال یک‌بار مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. آخرین تجدیدنظر در پانزدهم مارس ۱۹۸۹ صورت گرفت.

هدف از تأسیس مدارس اختصاصی برای کودکان معلول فراهم آوردن فرصت‌های مناسب و امکانات ویژه برای دانش‌آموزان معلول و دارای نقایص عضوی و نارسایی‌های ذهنی و جسمی است.

در آوریل سال ۱۹۷۹ آموزش معلولین ذهنی و جسمی در ژاپن برای افراد ۶ تا ۵ ساله اجباری اعلام شد.

آموزش متوسطه:

این دوره به دوره اول متوسطه و دوم متوسطه تقسیم می‌شود.

دوره اول آموزش متوسطه پس از تحصیلات ابتدائی شروع شده و مدت آن ۳ سال است.

اهداف تعلیمات دوره اول متوسطه:

۱. شناخت و پرورش استعدادهای متنوع دانش‌آموزان؛

۲. بالا بردن معرفت عمومی، دانش و مهارت‌های عملی در دانش‌آموزان که موردنیاز دنیای کار و تحصیل است؛

۳. تقویت روحیه کار طلبی و کارجویی بر اساس قابلیت‌های هر یک از دانش‌آموزان؛

۴. توسعه فعالیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در خارج از آموزشگاه به منظور تقویت بینش و قضاوت آنان در جهت انتخاب مسیر زندگی.

برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه:

دوره اول متوسطه را به عنوان یکی از پراهمیت‌ترین مقاطع تحصیلی به شمار می‌آورند.

آخرین تجدیدنظر در سال ۱۹۸۹ به عمل آمد که می‌توان آن را نمونه مشخص اصلاحات در زمینه برنامه درسی بر اساس مسئله محوری کسب مهارت در برخورد عملی با موقعیت‌های متنوع زندگی اجتماعی و شغلی ژاپن به شمار آورد.

برنامه‌های درسی این مقطع شامل:

۱. زبان ژاپنی ۲. دانش علوم اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و تعلیمات مدنی ۳. ریاضیات و کاربرد رایانه در آموزش ۴. علوم ۵. موسیقی ۶. هنرهای زیبا ۷. بهداشت و تربیت بدنی ۸. فنون و مهارت‌های شغلی و خانه‌داری برای دختران ۹. تربیت اخلاقی ۱۰. فعالیت‌های فوق برنامه ۱۱. دروس اختیاری «زبان خارجه و دکوراسیون، تعمیرات وسایل الکترونیکی وسایل منزل».

دانش آموز پس از ۶ سال ابتدائی و سه سال اول دوره متوسطه، با رعایت مقررات و شرایط ثبت نام در دوره دوم متوسطه به تحصیلات ادامه می‌دهد.

سه نوع مدرسه وظیفه تعلیمات دوره دوم را بر عهده دارند: ۱. مدارس نیمه وقت روزانه ۲. مدارس نیمه وقت که دارای کلاس‌هایی در بعدازظهر نیز دایر هست ۳. مدارس یا دبیرستان‌هایی مکاتبه‌ای که دانش آموزان به صورت مکاتبه‌ای به تحصیل اشتغال دارند.

رشته‌های تحصیلی شامل: رشته‌های عمومی، فنی، تجارت، هنر، کشاورزی، شیلات، اقتصاد خانه و صنایع محلی است.

مدت تحصیل در دبیرستان‌های روزانه ۳ سال و در مدارس شبانه و مکاتبه‌ای بیش از ۴ سال به طول می‌انجامد.

هدف از تحصیلات در مرحله دوم متوسطه عبارت است از:

۱. آماده کردن دانش آموزان دبیرستانی برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی جهت ادامه تحصیل؛

۲. آماده کردن دانش آموزان برای اشتغال در بازار کار و مراکز تولیدی و صنعتی.

دانش آموزان باید ۸۰ واحد درسی را در سه سال بگذرانند.

دروس عمومی شامل موضوعات مربوط به صنایع و حرفه‌های متنوعی است که دانش آموزان را برای دنیای کار در بخش صنایع و مراکز تولیدی آماده می‌سازد.

معلمان از میان افراد باصلاحیت از نظر اخلاقی، شخصیت و دانش انتخاب می‌شوند. جامعه ژاپن معلم را مظهر تقوا و فضایل اخلاقی و کمالات انسانی دانسته، او را سن سی (sensei) یعنی فردی قابل احترام که از نظر دانش و اخلاق از دیگران برتر است می‌نامند.

حداقل تحصیلات دانشگاهی برای معلمان کودکانها و دوره ابتدائی ۴ سال است. فارغ التحصیلان دوره لیسانس گواهینامه معلمی دریافت می‌کنند که اعتبار آن مادام العمر است.

گزینش و استخدام معلمان

نخستین شرط، داشتن گواهینامه معلمی است. سپس در امتحان تعیین صلاحیت حرفه‌ای که هیئت آموزش و پرورش ایالت و شهرداری‌ها به عمل می‌آورند شرکت نمایند.

آزمون تعیین صلاحیت حرفه‌ای معلمان شامل مصاحبه، آزمون کتبی و شفاهی از اطلاعات عمومی داوطلب و شایستگی‌های حرفه‌ای وی در زمینه روش‌های تدریس است.

حقوق و تسهیلات فرهنگی و رفاهی معلمان

- حقوق معلمان مدارس دولتی بر اساس دو عامل تحصیلات و سابقه خدمت مشخص می‌شود.
- هر دو سال یک‌بار معلمان از ارتقاء پایه برخوردار می‌شوند. به معلمان شایسته ارتقاء اضافی نیز داده می‌شود. علاوه بر حقوق ماهانه، کلیه معلمان کمک‌های غیر نقدی (بن)، کمک‌هایی از جمله کمک به عائله، کمک هزینه تطبیق با زندگی، کمک هزینه مسکن، کمک ایاب و ذهاب و پاداش دریافت می‌کنند.
- هر سال سه بار پاداش، معادل ۵/۳ برابر حقوق ماهانه هر معلم داده می‌شود.
- مزایای کوتاه مدت شامل هزینه‌های بهداشتی و زایمان، وام‌های اضطراری و غیره و مزایای بلندمدت شامل مقرری سالانه بازنشستگی و مقرری از کارافتادگی نیز دریافت می‌کنند.

مهم‌ترین برنامه‌ها جهت ارتقاء کیفیت مراکز تربیت معلم

- ۱ - فراهم سازی تسهیلات بیشتر و شرایط بهتر برای آموزش معلمان مقاطع تحصیلی مختلف در مؤسسات آموزش عالی؛

۲ - در نظر گرفتن یک دوره یک‌ساله آزمایشی برای معلمانی که تازه استخدام شده‌اند به منظور انتخاب معلمان واجد شرایط؛

۳ - تأسیس مؤسساتی در ردیف مدارس عالی جهت آموزش‌های ضمن خدمت معلمان و مطالعات پیشرفته در زمینه آموزش و پرورش؛

۴ - بالاتر بودن سطح حقوق معلمان با توجه به کاری که انجام می‌دهند نسبت به حقوق کارکنان سایر مشاغل به منظور جذب افراد زبده‌تر و صالح‌تر برای حرفه معلمی؛

۵ - کوشا بودن اتحادیه‌های صنفی معلمان جهت بالا بردن دانش و توانایی‌های علمی معلمان؛

۶ - دقت بیشتر در گزینش و انتصاب دانشجو برای حرفه معلمی و بهره‌گیری از معیار گزینش دقیق‌تر؛

حداکثر تراکم دانش‌آموز ۴۰ نفر در هر کلاس تعیین شده است. در برابر هر معلم ۱۹/۲ دانش‌آموز در مدارس ابتدائی، ۱۵/۶ در دوره اول متوسطه و ۱۳/۸ در دوره دوم متوسطه وجود دارد. برای مدارس نابینایان ۱/۲ - ناشنوایان ۱/۴ و مدارس معلولین ۱/۷ بوده است.

مهم‌ترین وظایف مدیران مدرسه:

۱ - نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌های روزانه مدرسه؛

۲ - تصمیم درباره ايام ویژه تعطیلات مدارس؛

۳ - گزارش وضعیت روحی و جسمی دانش‌آموزان به مقامات ذی‌ربط؛

۴ - تعیین حدود تنبیهات برای دانش‌آموزان بی‌انضباط؛

۵ - دادن مجوز به دانش‌آموزان برای تغییر مدارس خود؛

۶ - تصویب برنامه آموزش بهداشتی در مدرسه؛

۷ - استخدام و انفصال خدمت کارکنان آموزشی و اداری مدرسه و گزارش آن به هیئت آموزشی منطقه؛

۸ - اجازه و تأیید برنامه گردش علمی دانش‌آموزان؛

۹ - دادن اجازه استفاده از امکانات مدرسه به سایرین به‌ویژه اهالی محل برای مقاصد غیر آموزشی.

دو اصل مدیریت مدارس ژاپن:

۱ - عقلایی عمل کردن

۲ - دموکراتیزه کردن

برای تحقق اصل اول (عقلایی عمل کردن) سعی بر آن است که مسئولیت‌های انجام امور در داخل مدرسه را به افراد صاحب صلاحیت واگذار نمایند و صاحبان تخصص و مهارت را در حل و فصل امور مدرسه به همکاری دعوت کنند.

توجه به اصل دوم موجب می‌شود که وظایف در داخل مدرسه به گونه‌ای عادلانه توزیع شود و به هر کدام از افراد کادر آموزشی و اداری مدرسه وظایفی برحسب توانایی‌های جسمی و روحی، تفاوت جنسیت، سن، تجربه و امکانات آموزشی که در اختیار دارند محول گردد.

شرایط احراز شغل مدیریت و معاونت مدارس

قبولی در آزمون تعیین صلاحیت حرفه‌ای مدیران و معاونان مدارس و پس از آن، گذراندن دوره یک‌ساله در زمینه مدیریت آموزشی که در مراکز عالی تربیت معلم و یا دانشکده‌های تربیتی دانشگاه‌های ژاپن برگزار می‌شود. علاوه بر آن، داوطلبان شغل مدیریت و معاونت مدارس ابتدایی و متوسطه باید واجد شرایط ذیل باشند:

۱ - دارا بودن حداقل ۵۰ سال سن برای تصدی پست معاونت مدارس و ۵۴ سال سن برای مدیریت مدارس (ابتدایی و متوسطه)؛

۲ - دارا بودن حداقل ۲۰ سال تجربه موفق آموزشی برای مدیران و ۱۵ سال برای تصدی شغل معاونت مدارس؛

۳ - دارا بودن تألیفات و آثار علمی و تربیتی قابل قبول؛

۴ - دارا بودن تحصیلات دانشگاهی (حداقل ۴ سال تحصیلات دوره لیسانس).

پنج وظیفه و نقش اصلی مدیران و معاونان مدارس

۱ - الهام‌دهنده ۲ - تجهیزکننده ۳ - آموزش‌دهنده ۴ - جهت‌دهنده ۵ - سازمان‌دهنده.

دو نوع کتاب درسی برای دوره‌های تحصیلی در ژاپن منتشر می‌شود. اولین نوع را کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تألیف می‌کنند و کلیه مدارس در سطوح ابتدایی و متوسطه موظف‌اند این نوع کتب را که حدود ۹۸۰ عنوان است

تدریس کنند. نوع دیگر کتب درسی را شرکت‌ها و ناشران خصوصی تألیف و منتشر می‌نمایند. این قبیل کتب باید در ابتدا مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.

وسایل کمک آموزشی و تجهیزات تکنولوژی (فناوری) آموزشی

استاندارد وسایل کمک آموزشی برای علوم و ریاضیات در مدارس ابتدایی و متوسطه با قانون ارتقاء آموزش علوم تعیین شده است. استاندارد استفاده از وسایل کمک آموزشی در کانون‌های آموزش حرفه‌ای و فنی را قانون ارتقاء آموزش حرفه‌ای تعیین کرده است.

نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فنی در ژاپن

از آغاز دوره میجی به آموزش و پرورش به عنوان عامل مهم برای نوسازی کشور توجه شد. در منشور پنج ماده‌ای میجی تأکید بر آن شد که گسترش آموزش و پرورش و ارتقاء فرهنگ عمومی آحاد جامعه از جمله شرایط اساسی اعتلای بهره‌وری به شمار می‌رود.

دو اقدام اساسی برای ورود به دنیای پرقاب‌ت صنعتی غرب:

الف) اعزام جوانان صاحب استعدادها درخشان به دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارج از کشور برای فراگرفتن فن دریانوردی و تجارت دریایی به انگلستان، برای آموختن فنون نظامی و پزشکی به آلمان، برای آموختن حقوق و اداره امور دولتی به فرانسه و فراگرفتن راه و رسم تجارت خارجی، خدمات کشاورزی و اطلاع از نظام‌های آموزشی حرفه‌ای به ایالات متحده آمریکا.

ب) بهره‌گیری از تجارب و اندوخته‌های فنی و علمی از طریق استخدام متخصصان خارجی برای ارائه خدمات به ژاپنی‌ها و تربیت کارشناسان ژاپنی در داخل کشور. درخواست از آلمانی‌ها برای ساماندهی دانشگاه‌ها و مدارس پزشکی جدید و درخواست از آمریکایی‌ها برای طراحی نظام آموزشی ابتدایی و متوسطه جدید و مکانیزه کردن کشاورزی و اصلاحات در زمینه خدمات پستی.

کارشناسان انگلیسی در زمینه توسعه راه آهن، تلگراف، نیروی دریایی و کشتی‌سازی به کار مشغول شدند. فرانسوی‌ها تجارب خویش را در جهت آموزش نظامیان و احداث مراکز صنعتی نظامی در اختیار گذاردند و نقاشان، مجسمه‌سازان و معماران ایتالیایی در ایجاد مدارس هنر و شناساندن رموز هنر و معماری غرب به هنرمندان ژاپنی کمک کردند.

ژاپنی‌ها به منظور حفظ هویت ملی خویش کوشش می‌کردند کلیه متخصصان خارجی زیر نظر رؤسا و مدیران ژاپنی انجام وظیفه کنند.

پس از پایان حکومت میجی در سال ۱۹۱۲، رهبران بعدی ژاپن سعی بر آن داشتند که اولاً سیاست‌های ملی دوران حکومت قبلی را در زمینه تحقق این سیاست که غنی و قوی شدن کشور مستلزم افزایش دانش توده مردم و لیاقت و شایستگی فرد فرد ملت ژاپن است دنبال نمایند.

ثانیاً به توسعه آموزش و پرورش و تأمین آموزش حرفه‌ای و دانشگاهی که امکان خدمت بیشتر جوانان را برای کار انبوه سازندگی در سطح تخصصی و عالی آماده می‌کنند بپردازند.

دولت ژاپن، برنامه اقتصادی و توسعه اجتماعی را پس از جنگ جهانی دوم از نظر هدف‌ها به سه نوع تقسیم نمود:

۱. دسته اول از برنامه‌ها باعث شد عمران ویرانی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم در کمتر از ۱۰ سال به موقعیت قبل از جنگ بازگردد.

۲. دسته دوم به منظور دستیابی به رفاه اجتماعی بیشتر و رشد اقتصادی طراحی شده بودند.

برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی (۱۹۵۸-۱۹۶۲).

برنامه دو برابر کردن درآمد ملی (۱۹۶۱-۱۹۷۰).

و برنامه اقتصادی میان‌مدت (۱۹۶۴-۱۹۶۸).

برنامه دو برابر کردن درآمد ملی یکی از موفق‌ترین و پرسرودترین برنامه‌های اقتصادی دولت ژاپن به شمار می‌رود.

مسائل امروز آموزش و پرورش ژاپن

نظام آموزش و پرورش ژاپن با تمام موفقیت‌های کسب‌شده و ویژگی‌های مثبت، دارای مشکلات و مسائلی نیز هست. پاره‌ای از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱. دخالت رئیس دولت محلی، احزاب سیاسی و گاهی نیز طرفداری اتحادیه معلمان از احزاب پر قدرت - که حکومت نیز در دست آن‌هاست - در امور تربیتی؛

علیرغم تأکید مجلس ژاپن مبنی بر این که اعضای شورای آموزش و پرورش باید از کشمکش‌های سیاسی و نوسان‌های ناشی از آن دور نگهداشته شوند، این هدف هنوز محقق نشده است.

۲. کنترل شدید وزارت آموزش و پرورش و اختیارات محدود مقامات محلی در تعیین محتوای برنامه‌های درسی؛

۳. تجمع دختران در رشته‌های تحصیلی خاص؛

به عنوان نمونه بر اساس آماری که در سال ۱۹۹۵ تهیه شد، بیش از نیمی از دانشجویان رشته علوم انسانی و مراکز تربیت معلم و دبیر را دختران تشکیل می دادند درحالی که رشته های فنی و مهندسی و اقتصاد و حقوق چندان مورد توجه دانشجویان دختر قرار نگرفته است.

۴. وجود امتحانات سخت و رقابت انگیز؛

اگر دانش آموزی بخواهد وارد دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی معتبری شود، لازم است در ناحیه آموزشی خود از دبیرستانی فارغ التحصیل شده باشد که از نظر کیفیت تحصیلی، مورد تأیید دانشگاه مورد نظر باشد. این رقابت شدید عوارض ناخوشایندی را به بار آورده که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

الف) تبدیل ترس از امتحانات به کابوسی در بین دانش آموزان تا حدی که کارشناسان تعلیم و تربیت تطبیقی از آن به عنوان "فوبیای مدرسه ژاپن" نام برده اند و یکی از علت خودکشی در ژاپن نیز همین مسئله است.

ب) افزایش هزینه آموزش و پرورش خانواده ها به جهت آماده کردن فرزندان خود برای امتحانات متعدد و پرداخت هزینه هنگفت کلاس خصوصی.

ج) کاهش اعتماد به نفس و پیشرفت خواهی دانش آموزانی که در امتحانات آزمایشی نتایج چندان رضایت بخشی کسب نکرده اند و شیوع احساس خود کم بینی و یأس تحصیلی.

د) حاکمیت ذهنیت خود برتر بینی و تثبیت موفقیت به عنوان یک "صفت مشخصه" تا پایان عمر برای افرادی که در این آزمون ها موفق عمل نموده اند.

۵. وجود روحیه ناسیونالیستی حاکم بر ژاپن که هنوز نتوانسته اند به نیازهای جهانی شدن علوم پاسخ مساعدی دهند.

۶. هزینه سنگین دانشجویان با توجه به این که نزدیک به ۸۰ درصد از دانشجویان در مؤسسات دانشگاهی خصوصی به اشتغال تحصیل دارند.

۷. گسترش ناموزون نظام دانشگاهی ژاپن و ناتوانی از برآوردن نیاز گروه های مختلف به آموزش عالی. شرایط موجود بیشتر به سود جوانان غیر شاغل است و هنوز نتوانسته اند مسئله ادامه تحصیل افراد شاغل را برطرف نمایند؛ هرچند شورای مرکزی آموزش و پرورش اهدافی اساسی را برای حل آن مطرح نموده است.

تاریخ تحول آموزش و پرورش انگلستان

مطالعه سیر تاریخی آموزش و پرورش در کشوری چون انگلستان به عنوان موطن انقلاب صنعتی وارث فرهنگ قرون وسطایی و دوره رنسانس بر دو هدف استوار است:

نخست آنکه خواننده در جریان شکل گیری نهاد آموزش و پرورش در کشوری قرار گیرد که نظام تربیتی آن در ایجاد تمدن و فرهنگ قرن معاصر نقش مؤثری داشته است.

دومین هدف آن است که از طریق بررسی تاریخی - که یکی از متداول ترین شیوه های پژوهش تطبیقی است - دریابیم که نظام آموزش و پرورش در این کشور پدیده ای است ناشی از سال های تحول و دگرگونی و محصول تجربه ها و چالش های ملت و دولتمردان و قانون گذاران رفاه خواه.

در انگلستان مانند سایر کشورهای جهان تشکیلات مذهبی نخستین کانون های آموزشی را ایجاد کردند. کلیسا و مراجع وابسته به آن اولین بنیان گذاران و مؤسسان آموزشگاه ها و دانشگاه ها در این کشور بودند.

در اوایل قرن ششم میلادی پاپ گریکوری فردی به نام پریور اگوستین را به انگلستان اعزام کرد. اگوستین با چهل نفر از هم کیشان خویش در شهر کانتربری پایتخت کنت استقرار یافت و با کمک پادشاه کنت به تأسیس مدارس و مراکز آموزشی در این شهر و سایر نواحی انگلستان همت گماشت.

در ابتدا برنامه تحصیلات در این مدارس برای عموم شاگردان یکسان بود.

علاوه بر مدارس مذکور نوع دیگری از مدارس در انگلستان تأسیس شد که مدارس گرامر نامیده شدند؛ و اکنون از معتبرترین مراکز آموزشی انگلستان در سطح تعلیمات متوسطه به شمار می آیند.

این مدارس در آغاز با این هدف تأسیس شدند تا در آن ها دانش آموزان برای تصدی خدمات و مقامات اداری یا دینی تربیت شوند.

جاذبه مدارس گرامر به این علت بود که راه دستیابی به مشاغل عالی به شمار می رفت.

با ایجاد دانشگاه های آکسفورد و کمبریج بیشتر کوشش مدارس گرامر در جهت آماده کردن دانش آموزان برای ورود به دانشگاه ها متمرکز گردید.

از زمان اگوستین قدیس تا دوره جنبش دینی و پایان قرن پانزدهم اداره امور آموزش و پرورش در انگلستان با کلیسا بود.

هزینه تأسیس مدارس محلی کوچک از درآمد موقوفاتی که بازرگانان صاحبان حرف و مشاغل و افراد متمکن در اختیار کلیسا قرار داده بودند تأمین می شد.

در قرن شانزدهم در دوره سلطنت هانری هشتم از نفوذ کلیسا در اداره امور آموزش و پرورش انگلستان کاسته شد و در اواخر دوره پادشاهی ادوارد ششم با کسب مجوز از مجلس عوام، کلیه مراکز تربیتی که تحت اداره کلیسا بود در اختیار حکومت قرار گرفت.

در اوایل قرن شانزدهم روند آموزش و پرورش دچار رکود شد. منابع مالی مدارس و دانشگاه‌ها بسیار محدود گشت و با دخالت اشرافیان محل و لردها و اعیان، توسعه آموزش و پرورش برای عامه مردم جلوگیری به عمل آمد.

در دوره سلطنت الیزابت و دوره زمامداری کرامول و اشاعه نظریات لوتر و پیروان او، مدارس جدیدی برای توسعه آموزش و پرورش در مراحل ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی به وجود آمد.

نهضت دینی و تربیتی که مارتین لوتر و جان کالوین در نیمه اول قرن ۱۶ ایجاد کردند از نفوذ کلیسای کاتولیک در امور آموزش و پرورش در سطح اروپا کاست و وحدت مسیحیت و روش اسکولاستیک را متزلزل ساخت. لوتر می‌خواست آموزش و پرورش رایگان و نامحدود مانند آیات کتاب مقدس در دسترس همه باشد و اختلافی میان زن و مرد و طبقات اجتماعی وجود نداشته باشد.

در قرن ۱۸ ملت انگلستان به دو طبقه اجتماعی متمایز تقسیم می‌شدند: طبقه نخست از افرادی که از امکانات مالی و ثروت و قدرت و اختیار برخوردار بودند.

طبقه دوم متشکل از گروهی فقیر، تنگدست و زحمتکش بود و می‌توان گفت این افراد در ردیف کارگرانی بودند که از دسترنج خویش و با کسب درآمد ناچیزی امرار معاش می‌کردند.

فرزندان گروه اول در مدارس گرامر و سپس در دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد تحصیل می‌کردند و به مقامات مهم دولتی دست می‌یافتند.

فرزندان گروه دوم - که اکثر ملت را تشکیل می‌دادند - در مدارس جدیدی که دولت یا مؤسسات عمومی یا روحانیون پروتستان تأسیس کرده بودند به تحصیل اشتغال داشتند و طول مدت تحصیل آنان ۴ تا ۶ سال تحصیلات مقدماتی محدود می‌شد.

پیش از قرن ۱۹ حزب ویگ که نماینده پیشه‌وران بود آزادی بیشتری برای مردم تقاضا نمود.

در قرن ۱۸ کابینه، یکی از مشخصات حکومت انگلیس گردید. کابینه به‌عنوان هیئت مجریه اکثریت در مجلس عوام بود. نخست‌وزیر به حکم قانون اداره امور کشور را بر عهده داشت و رئیس حزب اکثریت و کابینه محسوب می‌شد.

در سال ۱۸۳۲ قانونی که از طرف حزب ویگ پیشنهاد شده بود به بازرگانان و صاحبان صنایع و مشاغل حق رأی اعطا شد. در همان سال کار کردن کودکان کمتر از ۹ سال ممنوع گردید.

در سال‌های ۱۸۶۸ و ۱۸۸۴ به تربیت حق رأی به کارگران و طبقات پایین و کشاورزان اعطا گردید.

اجرای تعلیمات عمومی در نیمه اول قرن نوزدهم از مهم‌ترین مسائل اجتماعی انگلیس به شمار می‌آمد.

در سال ۱۸۷۰ نخستین قانون آموزش ابتدایی به تصویب مجالس مقننه رسید که به موجب آن مسئولیت اجرای آموزش و پرورش عمومی بر عهده دولت گذاشته شد.

در سال ۱۹۱۸ قانون فیشر که راهگشای نوسازی و اصلاحات وسیع در زمینه آموزش و پرورش ملی بود به تصویب مجالس مقننه رسید. این قانون با هدف ایجاد یک نظام آموزش ملی که در دسترس همه افراد قرار گیرد تدوین شده بود.

مهم‌ترین تغییراتی که قانون فیشر پدید آورد:

الف) هماهنگی لازم را بین شوراهای محلی آموزش و پرورش با شورای مرکزی و ملی آموزش و پرورش ایجاد نمود.

ب) سن تحصیلات اجباری را از ۵ تا ۱۴ سالگی و در برخی از مناطق تا ۱۵ سالگی افزایش داد.

ج) مقامات محلی آموزش و پرورش را موظف نمود تا برای ادامه تحصیل دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۶ ساله و سپس برای دانش‌آموزان ۱۶ تا ۱۸ ساله مدارس تأسیس نمایند و تحصیل در این مدارس رایگان و اجباری باشد.

د) اصلاح نظام امتحانات، تجدیدنظر در شاخص‌های تعیین حقوق معلمان، ایجاد یک کمیته مالی و اعانات به دانشگاه‌ها و تضمین خودمختاری آن‌ها.

در سال ۱۹۶۲ بر اساس گزارش هادو تحت عنوان "آموزش و پرورش نوجوانان"، تحصیلات متوسطه نظری به صورت تعلیمات عملی برای شاگردانی که قادر به ادامه تحصیل در رشته نظری نبودند درآمد و مقدمات اصلاحات در زمینه هدف، برنامه و سازمان مدارس متوسطه فراهم شد.

در سال ۱۹۴۱ شورای ملی آموزش و پرورش رساله‌ای به نام کتاب سبز که حاوی نظریات و دیدگاه‌های گروهی از صاحب‌نظران و آموزشگران درباره مسائل و مشکلات تعلیم و تربیت بود، شرایط را برای تدوین طرح جدید آموزش و پرورش ملی فراهم کرد.

در سال ۱۹۴۴ قانون جدید آموزش و پرورش بر اساس گزارش کمیته فلینگ به تصویب قوه مقننه رسید. کلیه قوانین دست‌وپا گیر آموزش و پرورش ملغی شد و نظام آموزش و پرورش انگلستان شکل جدیدی به خود گرفت.

نکات عمده قانون فلمینگ عبارت‌اند از:

الف) وزیر آموزش و پرورش با اختیارات وسیع‌تری جانشین شورای ملی آموزش و پرورش شد و مقرر گردید هر طرح آموزشی قبل از اجرا به تصویب وزیر برسد.

ب) دو شورای آموزش و پرورش یکی برای انگلستان و دیگری برای ویلز تشکیل شد که به‌عنوان مشاوران وزیر انجام‌وظیفه کنند.

ج) مراحل تحصیلی به سه دوره تقسیم شد: ابتدایی از دوسالگی تا ۱۱ سالگی، مرحله متوسطه از پایان ۱۱ سالگی تا ۱۹ سالگی و مرحله آموزش اضافی که به تحصیلات بعد از تعلیمات اجباری اطلاق می‌شد (تحصیل در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها را در آن زمان جزو این دوره از آموزش محسوب می‌کردند).

د) تعیین حدود اختیارات و وظایف مسئولان محلی آموزش و پرورش و تفویض اختیارات و مسئولیت‌های بیشتری به آنان و ملغی کردن شهریه مدارس ابتدایی و متوسطه.

در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ اصلاحات وسیعی در آموزش و پرورش انگلستان پدید آمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) اصلاح برنامه‌های درسی در سطوح مختلف تحصیلی به گونه‌ای که اندازه‌گیری عملی، حساب احتمالات، روش‌های اکتشافی و مهارت‌های تجربی وارد برنامه درسی دانش‌آموزان شد.

ج) گسترش تعلیمات عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای.

د) افزایش فعالیت‌های تحقیقات تربیتی و کاربرد آن در آموزش و پرورش با تقویت مالی بنیاد ملی تحقیقات آموزشی انگلستان.

در سال ۱۹۸۰ دولت انگلستان اعلام کرد که مدارس باید از تکنولوژی جدید و پیشرفته در امر آموزش بهره‌گیرند و دروسی از جمله ریاضیات، شیمی، فیزیک، طراحی، کارهای هنری، زبان‌های خارجی، جغرافیا و تاریخ را با استفاده از رایانه آموزش داده شوند. این برنامه در انگلستان تحت نام MEP معروف است.

بر اساس گزارش وارناک مشخص شد از هر پنج کودک در انگلیس یک نفر نیاز به آموزش ویژه دارد و به موجب آن علاوه بر کودکان عقب‌مانده ذهنی و جسمی، کودکانی که در یادگیری نیز به نحوی دچار اشکال بودند تحت پوشش آموزش‌های ویژه قرار گرفتند و مقامات محلی آموزش و پرورش موظف شدند تا امکانات و وسایل آموزش و پرورش این قبیل کودکان را فراهم سازند.

قانون ۱۹۸۳ شرایط گزینش، کیفیت و چگونگی تربیت معلمان و دبیران و نحوه استخدام آنان را در مراکز آموزشی مشخص نمود.

به منظور جذب و استخدام شایسته‌ترین افراد در دستگاه تعلیم و تربیت انگلستان در سال ۱۹۸۵ نخست‌وزیر انگلستان «مارگارت تاچر» اعلام کرد در نظر دارد از طریق برنامه جامعی نظام تعلیمات فنی و حرفه‌ای را در انگلستان متحول نماید به طوری که پاسخگوی نیازمندی‌های روبه رشد جامعه صنعتی انگلستان باشد.

به دنبال این تصمیم کمیته‌ای به عنوان کمیته خدمات نیروی انسانی طرحی را به اجرا درآورد که بر اساس آن:

الف) کانون‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در چهارده منطقه آموزشی انگلستان و ویلز احداث شد و دانش‌آموزان گروه سنی ۱۴-۱۸ سال را زیر پوشش این گونه آموزش‌ها قرار دارد؛

ب) مدت دوره ۴ سال اعلام شد و دختران و پسران به طور مختلط به فراگرفتن حرفه اشتغال داشتند.

ج) برنامه آموزشی هم جنبه عمومی و هم جنبه اختصاصی یعنی آموختن مهارت‌های شغلی را در بر گرفت.

د) کارآموزی در مراکز صنعتی و تولیدی قسمتی از برنامه‌های آموزش را شامل و از ۱۵ سالگی آغاز می‌شد.

ه) به دانش‌آموزان مهارت‌های شغلی را یاد می‌دادند که مورد نیاز جامعه صنعتی انگلیس و بازار کار بود.

و) محتوای دروس این دوره با دروس مؤسسات فنی آموزش عالی ارتباط و سنخیت داشت.

در سال ۱۹۹۴ دولت انگلیس و کمیسیون آموزش و پرورش مجلس عوام به توافق رسیدند که آموزش مادام‌العمر را به عنوان یک ضرورت برای عصر مافوق صنعت در ابعاد وسیع‌تری گسترش دهند.

در سال ۱۹۹۷ قانون جدید تربیت معلم به تصویب رسید و دوره چهارساله و به دو دوره سه‌ساله و یک‌ساله تقسیم شد.

تحولات بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان سال‌های طلایی آموزش و پرورش در انگلستان ویلز شناخته شده است.

از بررسی سیر تحول آموزش و پرورش انگلستان می‌توان نتیجه گرفت که

اولاً در چنین کشوری کوشش بر آن بوده است که آموزش و پرورش در جهت ساختن اجتماع تازه‌ای مطابق با جامعه صنعتی - که طرح آن پس از انقلاب صنعتی مطرح گردید - متحول شود.

ثانیاً برخلاف بسیاری از ملت‌ها پیشرفت و تکامل نظام آموزش و پرورش در انگلستان در بستری از صلح و آرامش صورت گرفته است.

ثالثاً به گواه تاریخ، دارا بودن خصلت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی چون انضباط، همکاری، هماهنگی، مسئولیت اجتماعی، وطن‌خواهی، فداکاری در برابر مصالح عمومی و مشارکت صمیمانه در حل و فصل امور در میان مردم اصلاحات آموزشی در انگلستان در جهت گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش در کلیه سطوح و برگزاری مساوات در تدارک و سازمان‌دهی و ایجاد تشکیلات نوین و نوسازی محتوا و طرق آموزش به آسانی تحقق بخشند.

سازمان و اداره آموزش و پرورش در انگلستان و ویلز.

اداره آموزش و پرورش در انگلستان به شیوه غیر مرکزی اداره می‌شود و اختیارات امور تربیتی را بین دولت مرکزی، مقامات آموزش محلی و کادر آموزشی تقسیم نموده است.

اداره نظام آموزش و پرورش ملی انگلستان بر سه اصل مهم استوار است:

الف (تفویض اختیارات وسیع به مقامات آموزش و پرورش نواحی؛

ب) ترغیب و تشویق مؤسسات و انجمن‌های داوطلب به منظور سرمایه‌گذاری و شرکت در امور تعلیم و تربیت؛

ج) اجتناب از امرونی صریح از سوی دستگاه مرکزی در زمینه اداره امور آموزش و پرورش نواحی و مدارس و عدم تحمیل نظرها در مورد برنامه، سازمان مدارس، شیوه تدریس و استخدام معلم.

حدود و اختیارات دستگاه مرکزی تعلیم و تربیت انگلستان:

۱. نظارت بر اینکه آیا وسایل و تجهیزات آموزشی در حد استاندارد به قدر کفایت و به گونه‌ای متنوع در نواحی تدارک شده است.

۲. آیا مدارس بر اساس ضوابط و معیارهای قانونی ساخته شده است و تعداد وسایل آموزشی مورد نیاز مراکز آموزشی و تعمیر و نگهداری از مدارس با استانداردهای مناسب همخوانی دارد.

۳. آیا شهریه‌ای که از دانش‌آموزان دریافت می‌گردد و خدماتی که مدرسه در قبال آن انجام می‌دهد در حد مطلوب و رضایت‌بخش است.

۴. آیا آزادی عمل مسئولان مدارس، معلمان و به‌ویژه خانواده‌ها در زمینه تعلیم و تربیت کودکان تأمین شده است.

با قبول موارد فوق توسط دستگاه مرکزی و رؤسای نواحی آموزش و پرورش، دستگاه مرکزی به‌عنوان هماهنگ و تسهیل‌کننده امور -نه به‌عنوان کنترل‌کننده‌ای که بخواهد حاکمیت بی‌چون و چرای خود را در نواحی آموزش و پرورش اعمال کند- درآمد.

درآمد: بر طبق بخش هفتم قانون ۱۹۹۴ آموزش و پرورش، انجمن‌های محلی که مسئول قانونی اداره امور تعلیم و تربیت منطقه‌ای خود هستند باید کلیه وسایل و شرایط لازم را برای همه نوع تعلیمات عمومی به منظور رشد قوای ذهنی، عاطفی و جسمی کودکان و نوجوانان فراهم سازند.

هیئت جامعی از اعضای انجمن‌های تعلیم و تربیت، کمیسیون آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند که مسئولیت اداره امور تربیتی منطقه خود را با انتخاب فرد مناسب برای ریاست اداره آموزش و پرورش پس از کسب موافقت وزیر آموزش و پرورش به عهده دارند.

مهم‌ترین اختیارات ادارات آموزش و پرورش نواحی:

۱. تأمین شیر و تغذیه روزانه برای کلیه دانش‌آموزان تحت پوشش تعلیمات همگانی و تهیه پوشاک برای شاگردان بی‌بضاعت؛
 ۲. تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های آموزشی و نظارت بر انتخاب هیئت‌رئیس مدرسه؛
 ۳. استخدام و عزل کادر آموزشی مدارس با رعایت اختیاراتی که مدیران مدارس در این زمینه دارند؛
 ۴. اجرای قانون آموزش همگانی و اجباری و احضار کودکان واجدالتعلیم؛
 ۵. احداث ساختمان و تأمین وسایل مورد نیاز کتابخانه‌های عمومی، میدان‌های ورزشی، ورزشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی؛
 ۶. تأمین وسایل و شرایط لازم برای تعلیم و تربیت اختصاصی شاگردانی که از لحاظ بدنی و یا ذهنی معلول هستند؛
 ۷. بازرسی کار مدارس و نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌های آموزشی مطابق با معیارهای قانونی و آیین‌نامه‌های مربوطه.
- رسیدگی به امور تعلیم و تربیت و مسائل عمده نواحی آموزش و پرورش در دستگاه مرکزی آموزش و پرورش به عهده مدیران امور نواحی است.

مدیریت و اداره امور مدارس

مدارس ابتدایی و متوسطه در انگلستان را برحسب اداره امور جاری‌شان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. مدارس دولتی.
۲. مدارس آزاد که موسسه، تشکیلات مذهبی یا انجمن‌های داوطلب فرهنگی و یا افراد تأسیس می‌کنند.

هر یک از مدارس ابتدایی و آزاد دارای "هیئت‌مدیره" و مدارس متوسطه دارای "هیئت سرپرستان" هستند. هیئت‌مدیره و هیئت سرپرستان با همکاری و مشورت مدیر مدرسه - که مسئول مستقیم کنترل و سازمان‌دهی مدرسه و ناظر بر اجرای برنامه‌های آموزشی است - و اعضای هیئت‌مدیره و هیئت سرپرستان در مدارس دولتی به وسیله مقامات محلی آموزش و پرورش منصوب می‌شوند.

مهم‌ترین وظایف هیئت‌مدیره و هیئت سرپرستان:

۱. پیشنهاد استخدام و گزینش معلمان و کادر اداری مدرسه؛
۲. نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌های آموزشی؛
۳. تخصیص اعتبارات از کل بودجه مدرسه برای تعمیر و احداث کلاس‌های جدید؛
۴. تجهیز وسایل آموزشی.

منابع مالی آموزش پرورش

- ۱ - تخصیص قسمتی از مالیات بر درآمد مردم ناحیه به آموزش و پرورش؛
- ۲ - هدایا و موقوفات و درآمد ناشی از آن‌ها؛
- ۳ - سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌ویژه صاحبان صنایع در ایجاد مراکز و کانون‌های آموزش حرفه‌ای. به حکم قانون کلیه کودکان و نوجوانان بین سنین ۵ تا ۱۶ سال باید برای تعلیمات همگانی در مدارس ثبت‌نام کنند. در سال تحصیلی ۱۹۹۶ هزینه آموزش و پرورش و علوم معادل ۱۴/۱ درصد بودجه دولت بود.
- تجربه اداره و مدیریت آموزش به شیوه غیرمتمرکز در انگلستان نشان دهنده این واقعیت است که عرصه برای ابتکارات محلی و آزمایش‌های فردی باز گذاشته شده است و اتخاذ چنان سیاستی بر دامنه ابتکارات فردی و اعتماد به نفس مردم در جهت سرمایه‌گذاری و اتخاذ تدابیر و چاره‌جویی‌ها به‌منظور رفع مشکلات آموزشی افزوده است.

مراحل و مقاطع تحصیلی در انگلستان

آموزش قبل از دبستان، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه و آموزش اضافی و تعلیمات عالی

آموزش قبل از دبستان

نخستین کودکان را مارگارت مک میلان به سال ۱۹۱۳ در حومه شهر تفورد ایجاد کرد. هدف از تأسیس آن نگهداری و مراقبت از فرزندان زنان کارگری بود که در کارخانه‌های اطراف این شهر به کار اشتغال داشتند. برای کودکان زیر ۵ سال شامل مهدکودک و کودکان‌ها است. این دوره می‌تواند بیش از مدرسه در تقویت حس همکاری اجتماعی و مردم‌گرایی و آمادگی برای فعالیت‌های آینده در مدرسه و سرانجام راه‌حل مؤثر برای رفع مشکل نابرابری‌های موجود در محیط اجتماعی و فرهنگی باشد. راهی است برای غنی ساختن محیط اجتماعی و فکری کودکان.

آموزش ابتدایی

از ۵ سالگی آغاز می‌شود و در ۱۱ سالگی به پایان می‌رسد و به دو مرحله تقسیم می‌شود. مرحله اول به مرحله کودکی یا نو سالی موسوم است. کودکان ۵ تا ۷ ساله در این مرحله آموزش می‌بینند.

مرحله دوم که مرحله خردسالی نامیده می‌شود به آموزش نوآموزان ۷ تا ۱۲ ساله اختصاص دارد. دوره آموزش ابتدایی ۶ سال به طول می‌انجامد. هدف از تعلیمات ابتدایی فراهم ساختن امکانات و شرایط لازم برای رشد فکری و جسمی کودکان است. در برخی از مدارس کوشش اصلی بر آن است تا دانش‌آموزان را برای امتحانات 11^{+} آماده نمایند. این آزمون در پایان دوره ابتدایی یعنی ۱۱ سالگی از دانش‌آموزان به عمل می‌آید و بر اساس این آزمون دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای ورود به دوره متوسطه طبقه‌بندی می‌شوند.

در دوره اول علاوه بر خواندن و نوشتن و فراگیری حساب و مأنوس شدن کودکان سعی می‌شود از طریق ساختن اشیاء با شن، مکعب، چوب و گچ، اولاً حس کنجکاوی کودکان را ارضا نمایند، ثانیاً قوه خلاقیت آنان را پرورش دهند.

در دوره دوم درس‌های نظری با درس‌های عملی بیشتر تلفیق می‌یابد. از ویژگی‌های تعلیمات ابتدایی در انگلستان می‌توان آزادی عمل معلمان و مدیران مدرسه در تنظیم برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و اداره امور مدرسه را نام برد. این دوره درست اندیشیدن و منطقی عمل کردن و تفکر عملی داشتن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.

آموزش متوسطه

تعلیمات متوسطه پیش از سایر مقاطع تحصیلی دستخوش تعلیمات شگرف گردیده و مورد بازنگری مستمر قرار گرفته است.

در سال ۱۹۴۴ سه نوع مدرسه متوسطه به رسمیت شناخته شدند که عبارت‌اند از:

۱ - مدارس متوسطه گرامر؛

۲ - مدارس متوسطه فنی؛

۳ - مدارس متوسطه جدید یا مدرن.

مدارس جامع پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد و نهایتاً در سال ۱۹۶۵ مصوب گردید. در این گونه مدارس، وسایل اجرای همه گونه آموزش متوسطه بی‌آنکه شامل تقسیمات سه‌گانه (گرامر، حرفه‌ای و جدید) باشد در یک ساختمان فراهم شده است. مرحله تعلیمات متوسطه تمام‌وقت و تا ۱۶ سالگی عمومی و اجباری است و از آن پس دانش‌آموزان می‌توانند داوطلبانه تا پایان ۱۸ سالگی در مدارس متوسطه تحصیلات خود را ادامه دهند.

ورود به دوره تعلیمات متوسطه در انگلستان به گذراندن 11^{+} و گزارش رؤسای مدرسه و تا حدودی تمایل و تصمیم والدین دانش‌آموزان بستگی دارد.

آزمون 11^{+} معمولاً در پایان دوره ابتدایی یعنی ۱۱ سالگی از کلیه دانش‌آموزان به عمل می‌آید. این آزمون شامل آزمون‌های استاندارد شده هوش و آزمون‌های درجه‌بندی شده انگلیسی (خواندن و نوشتن) و ریاضیات است. دانش‌آموزانی که امتیازات عالی کسب کرده‌اند و بهره هوشی آنان بالای ۱۲۰ است به مدارس متوسطه گرامر معرفی می‌شوند و بقیه به ترتیب نمرات بین مدارس حرفه‌ای و جدید تقسیم می‌شوند.

دانش‌آموزان این مدارس بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی، خود را برای گذراندن امتحان عمومی GCE (*General Certificate of Education*) که تقریباً معادل گواهینامه پایان دوره تعلیمات متوسطه در کشورهای دیگر است آماده می‌کنند. این امتحان معمولاً در دو سطح عادی و پیشرفته برگزار می‌گردد.

فارغ‌التحصیلانی می‌توانند وارد مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های انگلستان شوند که:

اولاً دارای گواهینامه GCE باشند؛

ثانیاً از پنج ماده درسی مورد امتحان حداقل در ۴ ماده نمره بالایی داشته باشند.

مدارس متوسطه فنی

در برنامه آموزشی این مدارس تأکید بر دروس عملی برای فراگیری مهارت‌های حرفه‌ای از جمله کشاورزی، صنعت و تجارت است. سن ورود به این مدارس ۱۱ سالگی اعلام شده است. اغلب دانش‌آموزان در ۱۲ الی ۱۳ سالگی وارد این مراکز می‌شوند. دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای نیز مانند مدارس گرامر خود را برای امتحانات GCE آماده می‌کنند.

مدارس متوسطه جدید

دوره تحصیلات در این مدارس ۵ سال است؛ یعنی تا ۱۶ سالگی ادامه دارد. به این دانش‌آموزان گواهینامه‌ای تحت عنوان CSE داده می‌شود.

مدارس متوسطه جامع

بر اساس آن دانش‌آموزان دوره متوسطه باید دروس و دوره‌های مختلف تحصیلی را با یک برنامه مشترک از ۱۱ الی ۱۶ سالگی بگذرانند.

مونکس اهداف تأسیس مدارس جامعه در انگلستان ویلز را در سال‌های تحت عنوان تعلیمات جامع چنین توصیف نموده است:

۱ - از بین بردن مرحله تفکیک میان دانش‌آموزان بعد از آموزش ابتدایی و گردآوری و درهم آمیختن دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت در یک محیط؛

۲ - گردآوری گروهی از دانش‌آموزان در زیر یک سقف به گونه‌ای که این گروه معرف تمامی قشرهای اجتماعی باشد؛

۳ - تمرکز دادن معلمان، فضای آموزشی و تجهیزات لازم به گونه‌ای که تمام دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت بتوانند از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند؛

۴ - تعلیمات دوره متوسطه جامع شامل دوره سه‌ساله است سه سال اول اختصاص به دروس از جمله انگلیسی، ریاضیات، تاریخ، زبان فرانسه، علوم، هنر، صنعت، موسیقی، تعلیمات دینی.

ملاک‌ها و ضوابط تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های متجانس

۱ - بر اساس استعداد دانش‌آموزان؛

۲ - بر اساس نمرات دروسی که طی سال‌های گذشته گذرانده‌اند؛

۳- بر اساس انتخاب دروس اختیاری؛

۴- بر اساس انتخاب نوع دروس فنی و حرفه‌ای؛

۵- بر اساس نوع امتحانی که دانش‌آموزان قصد دارند در آن شرکت نمایند؛

این طبقه‌بندی از سوی معلمان، معلمان را در انتخاب محتوای درس و شیوه تدریس مفیدتر می‌کند. از طرف دیگر جریان فراگیری را برای یک گروه نسبتاً متجانس از نظر استعداد و توانایی‌های تحصیلی آسان‌تر می‌نماید.

مدارس میانه

حداصل بین مدارس ابتدایی و متوسطه قرار دارند. کودکان در ۸ یا ۹ سالگی وارد این مدارس می‌شوند و تا ۱۲ الی ۱۴ سالگی در این مدارس به تحصیل اشتغال دارند. فکر تأسیس مدارس میانه از زمانی قوت گرفت که برخی از صاحب‌نظران و علمای تعلیم و تربیت مخالفت خود را با برگزاری امتحانات پایان دوره ابتدایی ¹¹⁺ اعلام کردند و معتقد بودند که طبقه‌بندی دانش‌آموزان بر اساس آزمون مذکور در ۱۱ سالگی جایز نیست.

مدارس غیرانتفاعی مستقل

این مدارس را مؤسسه‌های غیرانتفاعی (کلیسا یا انجمن‌های داوطلب فرهنگی و مذهبی) و یا افرادی تأسیس کرده‌اند. مدارس متوسطه گرامر اغلب از این نوع مدارس هستند.

مدارس مستقل خصوصی (مدارس عام)

از مهم‌ترین انواع این مدارس می‌توان مدارس عام را نام برد. این مدارس مخصوص فرزندان خانواده‌های ثروتمندان انگلیسی است. شهریه آن سنگین و شرط ورود به این مدارس موفقیت در امتحان ورودی مخصوص و استطاعت پرداخت شهریه سالیانه و اصل و نسب خانوادگی است. هدف اصلی تعلیمات در این مدارس تربیت جنتلمن‌های آینده انگلیس است که پس از فراغت از تحصیلات بتوانند قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه را در دست گیرند.

مدارس ویژه و کلاس‌های اختصاصی برای کودکان معلول

برای کودکان معلول علاوه بر ارائه نوعی آموزش ویژه ابتدایی و متوسطه برای کودکان و نوجوانان معلول، با این هدف که آنان را به نحوی تربیت و پرورش دهند تا افرادی مسئول و متکی به خود و بالأخره جامعه‌پذیر بار آیند.

آموزش عالی و تربیت معلم و آموزش بزرگسالان در انگلستان

مهم‌ترین شرایط برای گزینش معلمان، آموزش و تربیت و استخدام آنان:

الف) استانداردها و معیارهای شغلی برای استخدام معلمان و دبیران تدوین شود و به معلمان شایسته، امتیازات مالی و اجتماعی بیشتری تعلق گیرد.

ب) ضمن دقت در گزینش افراد برای حرفه معلمی و دبیری، لازم است مدت تمرین آموزگاری و دبیری را طولانی‌تر کرد.

ج) معلمان و دبیران مجازند دروسی را تدوین کنند که قبلاً در دانشگاه‌ها و دوره‌های تربیت معلم یا دبیری، دانش تخصصی آن‌ها را کسب کرده‌اند و به شیوه نوین آن دروس آشنا باشند.

۶. دانشگاه‌ها در انگلستان و ویلز خودمختار و مستقل هستند و در گزینش دانشجو و ایجاد رشته‌های جدید تحصیلی استقلال عمل دارند.

به نظر برین سیمون علی‌رغم کوشش‌ها و حرکت‌های اصلاح طلبانه‌ای که دولت انگلیس جهت حل و فصل رضایت‌بخش این معضل به عمل آورده است، به دلیل فقدان وحدت نظر و عمل و پراکندگی کانون‌های تصمیم‌گیری، توفیق چندانی حاصل نشده است و برنامه‌ریزی آموزشی بخش مهمی از جامعیت و کارایی خود را از دست داده است.

او بر این باور بود که دولت باید به عنوان نیروی مرکز هماهنگ‌کننده و تسهیل‌کننده زمام امور، برنامه‌ریزی در سطح کشور را در دست گیرد.

تبعات برنامه‌ریزی بدون هدف‌های مشخص و معین ملی: ۱. تعداد بیش‌ازحد دانشجویان یک رشته تحصیلی ۲. کمبود مکان تحصیل ۳. توزیع نامتناسب دانشجویان در شعب مختلف تحصیلی ۴. پایین آمدن کیفیت استانداردهای آموزشی ۵. پیدایش عدم تعادل میان عرصه و تقاضا و خطر بیکاری آشکار بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها.

بررسی وجوه شباهت و تفاوت نظام‌های آموزش و پرورش ژاپن و انگلستان

هدف و ارزش عمده این‌گونه مطالعات آن است که به شیوه‌ای تحلیلی دریابیم دیگران در راه ساختن نظام‌های نوین تربیتی خود چه اقداماتی را به عمل آورده‌اند و چه تدابیری در جهت حل و فصل رضایت‌بخش مسائل و مشکلات آموزشی خویش اتخاذ کرده‌اند.

اوضاع و احوال جغرافیایی، اقتصادی و تحولات سیاسی و اجتماعی دو کشور

ژاپن و انگلستان کشورهای جزیره‌ای هستند با جمعیت کثیر. از لحاظ تراکم جمعیت، به‌عنوان متراکم‌ترین مناطق جمعیتی جهان به شمار می‌روند. به علت مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه، میزان مرگ‌ومیر در هر دو کشور رو به کاهش گذاشته و حد متوسط طول عمر مردم افزایش یافته است. آب‌وهوای هر دو کشور متأثر از اقلیم اقیانوسی است. بیش از نیمی از کل مساحت سرزمین‌های ژاپن و انگلستان را جنگل پوشانده است. این جنگل‌ها علاوه بر بهره‌دهی اقتصادی در زمینه صنایع چوب و کاغذسازی، جریان رودخانه‌ها را انتظام می‌بخشند و تأثیر مطلوبی بر آب‌وهوای این مناطق دارد. مسئولیت تربیت متخصصان و کارشناسان، نگهداری و بهره‌وری علمی از منابع جنگل‌ها بر عهده وزارت آموزش و پرورش انگلستان و دانشگاه‌های آکسفورد، بن‌گور و آبردین (Aberdeen) گمارده شده است. اقیانوس و دریاها که در اطراف دو کشور قرار گرفته‌اند موجب توسعه صنایع شیلات و ماهیگیری و بهره‌گیری از منابع دریاها را مهیا ساخته‌اند.

دو کشور از لحاظ منابع زیرزمینی و معادن بسیار محدودند و به‌منظور گرداندن چرخ‌های اقتصادی و صنعتی رو به رشد خود مجبورند مواد معدنی و خام و مواد غذایی مورد احتیاج خود را از کشورهای دیگر وارد کنند.

زبان

وجود یک زبان نوشتاری و تکلم در ژاپن و انگلستان به نهاد آموزش و پرورش این امکان را داده است که در برقراری اتحاد و همبستگی ملی نقش مهمی را ایفا نمایند. این امر مبارزه با بی‌سوادی و برقراری تعلیمات همگانی، بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی از طریق ماهواره، رادیو، فیلم‌های آموزشی، آشنا کردن افراد جامعه با هنجارها و ضوابط، اعتقادات و نگرش‌های جاری در جامعه را با موفقیت بیشتری توأم کرده است. دولتمردان این کشورها دریافته‌اند که غنی و قوی کردن کشور مستلزم آن است که سطح آگاهی و دانش مردم را بالا ببرند و صنایع جدید نیاز به نیروی کار تعلیم‌یافته دارند.

نتیجه بررسی سیر تاریخی آموزش و پرورش این دو کشور نشان‌دهنده این است که:

الف) در ژاپن و انگلستان نخستین کانون‌های آموزشی را تشکیلات مذهبی ایجاد کردند و می‌توان گفت معابد، کلیساها و مراکز وابسته به آن‌ها، اولین بنیان‌گذاران و مؤسسان آموزشگاه‌ها بودند.

ب) آموزش و پرورش در گذشته در این دو کشور گرایش محافظه‌کارانه و طبقاتی داشته و نوع آموزش، محتوای برنامه آموزشی، طول مدت و تصدی مشاغل پس از اتمام دوره‌های آموزشی متأثر از خاستگاه و تصمیمات گروه‌های متنفذ محلی از جمله فئودال‌ها، جنگجویان، ثوکرها و اریستوکرات‌ها بوده است.

مدیریت دستگاه تربیتی

اداره آموزش و پرورش در دو کشور به دو صورت متفاوت یعنی گرایش به شیوه متمرکز (ژاپن) و گرایش به شیوه غیرمتمرکز (انگلستان) صورت می گیرد.

در ژاپن فکر غیر مرکزی کردن مدیریت و اداره آموزش و پرورش را آمریکائی ها بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد کردند. این نظام جدید در ژاپن نتوانست با موفقیت روبرو شود و دوام بیاورد و قوام یابد.

وزارت آموزش و پرورش قانوناً مسئول تعلیم و تربیت مردم ژاپن است و در موارد زیر رأساً به صورت متمرکز اقدام می کند:

- توسعه آموزش و پرورش (تدوین مقررات و ضوابط تأسیس و احداث مؤسسات آموزشی)
- استخدام کادر آموزشی و اداری
- تعیین محتوا و اجازه چاپ کتاب های درسی (صدور مجوز تأسیس دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی عالی)
- آموزشی بزرگسالان، کتابخانه و موزه ها.

امور آموزشی و پرورشی در انگلستان به شیوه غیر مرکزی اداره می شود.

اختیارات اداره امور تربیتی بین دستگاه مرکزی آموزشی و پرورش، مقامات محلی آموزش و پرورش و کادر آموزشی مدارس تقسیم شده است.

فلسفه ای که روش اداره امور تربیتی در انگلستان بر آن استوار است از فلسفه اجتماعی و تربیتی این جامعه نشأت گرفته و عرصه را بر ابتکارات محلی و آزمایش های فردی باز گذاشته و امکان به کار گرفتن نیروهای محلی و بهره گیری از امکانات منطقه ای را میسر ساخته است و سازمان های تربیتی مناطق را از بند کنترل شدید دستگاه مرکزی رها کرده است و نمایندگان منتخب مردم در کمیته های آموزش و پرورش در حل و فصل اموری چون تدوین برنامه های آموزشی، استخدام معلمان و کادر اداری، مهیا ساختن امکانات و تجهیزات آموزشی، احداث مدارس و میدان های ورزشی به وزارت آموزش و پرورش یاری می رسانند.

محاسن و معایب شیوه متمرکز و غیرمتمرکز:

الف) بهره‌گیری از شیوه غیرمتمرکز در اداره امور آموزشی در کشورهایی که هم‌اکنون به شیوه متمرکز امور آموزش و پرورش خود را اداره می‌کنند، در صورتی ثمره‌دهنده است که سازمان‌های دیگر از جمله بهداشت، سیاست و اقتصاد نیز در اداره امور خویش به‌طور هماهنگ از این شیوه استفاده کنند.

ب) اعمال روش عدم تمرکز در کشورهایی که به شیوه متمرکز اداره می‌شوند و قدرت بخشیدن به مقامات مرکزی در کشورهایی که به طریق غیرمتمرکز اداره می‌شوند دو گرایش محسوب می‌شوند که این دو بیشتر مکمل یکدیگرند نه متناقض همدیگر.

تربیت معلم

نظام تربیت معلم و دبیر در ژاپن و انگلستان بر سه اصل زیر استوار است.

۱. داوطلبان ورود به کسوت معلمی باید گواهینامه معلمی دریافت کنند.

۲. تربیت معلم تحت پوشش علمی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم تربیتی درآمده است و در سال‌های اخیر داشتن درجه لیسانس برای ورود به حرفه معلمی شرط لازم است.

۳. نظام تربیت معلم هر دو کشور به صورت یک نظام باز و آزاد درآمده است و فارغ‌التحصیلان شعب مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها در صورتی که تمایل داشته باشند می‌توانند با گذراندن معمولاً یک دوره یک‌ساله یا دوساله، با فراگیری برخی از دروس اختصاصی و دروس تربیتی برای تصدی این حرفه آماده شوند.

اشتغال به حرفه معلمی در هر دو کشور مستلزم اخذ گواهینامه معلمی و دارا بودن شرایط گزینش و موفقیت در مصاحبه‌ای است که هیئت مدیران و سرپرستان انگلستان و کمیته آموزش و پرورش محلی و مدیر مدرسه در ژاپن به عمل می‌آورند.

میزان حقوق و مزایای مالی و رفاهی معلمان در دو کشور به مدت تحصیلات دانشگاهی و سوابق خدمت و تجارب آنان و همچنین مطالعات و پژوهش‌هایی که در زمینه تعلیم و تربیت کرده‌اند بستگی دارد.

در ژاپن قانون تعیین میزان افزایش حقوق معلمان مدارس دولتی مصوب ۱۹۷۴ و در انگلستان و ویلز قانون دستمزد معلمان مصوب ۱۹۶۵ و قانون دستمزد هیئت علمی دانشگاه‌ها مصوب ۱۹۷۰ شاخص‌های افزایش حقوق معلمان مدارس دولتی را تعیین می‌کنند و بر اساس آن معلمان در ۴ گروه از نظر مراتب شغلی قرار می‌گیرند.

گروه نخست: معلمان کودکان و مدارس ابتدایی و دبیران دوره اول متوسطه؛

گروه دوم: معلمان و دبیران دوره دوم؛

گروه سوم: معلمان آموزشکده‌های فنی و مدرسان دوره‌های فوق‌دیپلم؛

گروه چهارم: مدرسان و استادان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.

در ژاپن معلمان علاوه بر حقوق ماهیانه از کمک‌های غیر نقدی (بن)، کمک عائله‌مندی و سایر کمک‌های مالی و رفاهی نیز برخوردارند. میزان این نوع کمک‌ها معادل ۶ برابر حقوق ماهانه هر معلم است.

مسائل امروز آموزش و پرورش انگلستان

۱. تبعیض در خدمات آموزشی بین اقلیت‌های مذهبی و قومی و گروه‌های خاص و محروم اجتماعی به‌ویژه در برخی مدارس که منجر به تثبیت امتیازات طبقه مرفه شده است و به قول رابین پدلی آموزش و پرورش در کشور انگلستان شکل طبقاتی پیدا کرده است؛
۲. مورد غفلت واقع شدن توجه به استعدادهای برجسته و تربیت انفرادی دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌های اقشار پایین اجتماعی و بی‌توجهی به "اصل برابری"؛
۳. اداره آموزش و پرورش به شیوه غیرمتمرکز و تفویض اختیارات اداره امور تربیتی به بیش از یک‌صد منطقه آموزشی و فاصله گرفتن دستگاه مرکزی آموزش و پرورش از اعمال حاکمیت خود بر فعالیت‌های آموزشی در راستای پاسخگویی به نیازمندی‌های اقتصادی و صنعتی کشور؛
۴. مورد استقبال والدین قرار نگرفتن مدارس حرفه‌ای و فنی به علت کم‌ارزش تلقی کردن دانش فنی در انگلستان؛
۵. مسائل مالی معلمان که به علت بالا رفتن میزان تورم و کاهش قدرت خرید معلمان، امکان دعوت از افراد باصلاحیت و شایسته برای شغل معلمی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.
۶. دچار اخلال شدن کار برنامه‌ریزی ملی و جامع آموزشی در جهت تأمین نیروی انسانی ماهر و دانش‌آموخته در سطوح بالای تخصصی با توجه به خودمختار و مستقل بودن دانشگاه‌ها در انگلستان و ویلز و استقلال عمل آن‌ها در گزینش دانشجو، ایجاد رشته‌های جدید تحصیلی، توسعه دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی، انتخاب استاد و مهیاسازی امکانات آموزشی و دانشجویی.

- آقازاده، احمد (۱۳۷۹). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سمت
- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸). جستاری به فرهنگ آموزش و پرورش ژاپن
- لوئیس، کترین (۱۳۸۷). آموزش قلبها و اندیشهها (تجارب آموزشی ژاپنیها). ترجمه ح افشین منش و ش. ایل بیگی. تهران: سازوکار چاپ پنجم
- وایت، مری (۱۳۸۸). مطالبات آموزشی در ژاپن (احساس تعهد به کودکان). ترجمه فرهودی زاده. تهران: نشر رسا
- نشریه پژوهشنامه آموزشی. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۷). نیمنگاهی به فرهنگ آموزش ژاپن.

